

## ویژه

# کشمکش اتمی جمهوری اسلامی با غرب، ماهانه میپرسد؟

که از یک طرف جمهوری اسلامی میخواهد به سلاح هسته ای دست پیدا کند، و از طرف دیگر غرب در پی دفاع از منافع خود و قدرت قدری خود میخواهد جلو این قضیه را بگیرد اما نمیتواند. در نتیجه صحنه برای ماجراجویی باز است. هر دو طرف دارند فضا را متشنج و نظامی میکنند.

بارها گفته ایم که نظامی کردن و میلیتاریزه کردن فضا به نفع جمهوری اسلامی است. محاصره اقتصادی نودش مستقیم به چشم مردم میرود، به رژیم اسلامی کمک میکند و ضدانسانی است. جمهوری اسلامی هم آگاهانه به این فضا دامن میزند. ←

اقداماتی از جمله جنگ و تلافی و محاصره اقتصادی انباشته است. با توجه به ظرفیتهای شناخته شده و مخوف هر دو طرف اصلی این دعوا، یعنی جمهوری اسلامی و امریکا، مبرمیت اوضاع بر کسی پوشیده نیست. در مورد کشمکش های سیاسی جاری و مخاطرات و چه باید کردها پای صحبت کورش مدرسی نشسته ایم. از اینجا شروع کنیم که آیا شما هم جای نگرانی در روندهای جاری مشاهده میکنید و چرا؟

**کورش مدرسی:** مساله از نگرانی فراتر است. جامعه ایران در آستانه یک فاجعه قرار گرفته است. به این دلیل



از مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش مدرسی

تنها راه نجات قیام علیه

جمهوری اسلامی است!

جمهوری اسلامی و مسئله سلاح هسته ای

مذاکره و وعده ها بطور دوره ای تکرار میگشتند. امروز اما با تهدید ارجاع قریب الوقوع این پرونده به شورای امنیت کشمکش های سیاسی حاشیه آن به طرز آشکارتری با عبارات و

شده است. این تندپیچها با پیش بینی و گمانه زنی های پرمخاطره ای برای مردم ایران و حتی جهان همراه است. زمانی این پرونده حکایت شبیه بازی موش و گربه را داشت. تهدید و

**مصطفی اسدپور:** کشمکش های سیاسی که تحت عنوان پرونده اتمی جمهوری اسلامی شناخته میشود وارد مراحل حساسی و پر تنش

برنامه یک دنیای بهتر را بخوانید!

در صفحات دیگر این شماره :

گفتگوی ماهانه با

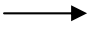
آذر مدرسی، ایرج فرزاد، حسین مرادبیگی (حمه سور)،

سعید کرامت، فاتح شیخ و محمود قزوینی

تماس با ماهانه:

E-mail: co.mahane@gmail.com  
fateh\_sh@yahoo.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



غرب، و بویژه آمریکا، از سر منفعت خود، بدون اینکه پیشیزی برای جان و آینده مردم ارزشی قابل باشد (همانطور که در عراق نشان داده اند)، به این فضا دامن میزند.

بهر حال سیر این رویدادها میتواند از وجوه متعددی وضعیت را برای مردم فاجعه بار کند. این را تاکید میکنم ممکن است غرب و آمریکا از سر استیصال دست به اقدامات نظامی علیه ایران بزنند یا اقدام به محاصره اقتصادی ایران کنند و جمهوری اسلامی هم درست در همین راستا میتواند عمل کند. هر دخالت نظامی مستقیم یا غیرمستقیم غرب و متحدانش تنها به تداوم عمر جمهوری اسلامی منجر میشود و امکان عراقیزه کردن اوضاع ایران و پاشاندن بنیادهای زندگی مدنی را بالا میبرد. جمهوری اسلامی میتواند ایران و کل منطقه را به آتش بکشد. عراق که هم اکنون برای آمریکا غیرقابل کنترل است، در این میان تبدیل به یک حمام خون تمام عیار خواهد گردید. کل منطقه به آتش کشیده میشود.

در این ماجراجویی همه طرف ها نشان داده اند که به اندازه کافی جنایتکار هستند که دست به هر سلاحی ببرند و مردم را به نابودی بکشند. این خطری بسیار جدی در مقابل جامعه ایران است. اوضاع آستن یک فاجعه است.

بزرگترین اشتباه این است که در انتظار اتفاقات ساکت بنشینیم و یا اینکه با یکی از طرفین جنایتکار این دعوا - چه جمهوری اسلامی و چه آمریکا و غرب - به هر شکلی همنوایی و همراهی کنیم. وقوع چنین فاجعه ای برای چندین نسل تمدن، زندگی مدنی و جامعه را در تمام آن منطقه بر باد خواهد داد. در پایان ایران کشوری خواهد شد مثل سومالی و یا عراق و بلکه بدتر از آنها.

**مصطفی اسد پور:** شما در صحبتهایتان به مورد عراق اشاره داشتید. رویدادهای چند سال اخیر عراق در خاطره زنده همگی ما

هست. ژورنالیسم میگوید که این صحنه در مورد ایران دارد دوباره تکرار میشود. عراق که مانور میداد و آمریکا که تصمیم خود را گرفته بود. همه چیز تا حمله آمریکا یک شمارش معکوس بود. برداشت درستی از حرفهای شما این است که شمارش معکوس مشابهی در مورد ایران و جمهوری اسلامی هم دارد تکرار میگردد؟

**کوروش مدرسی:** آمریکا و غرب بر عکس نمونه عراق، ظرفیت عکس العمل های بزرگ نظامی علیه جمهوری اسلامی را ندارند. به یمن سیاست سوپر ارتجاعی بوش در حمله به عراق، هم اکنون جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی تقویت شده است و در رابطه با غرب هم دست بالا را دارد. موقعیت تقویت شده اسلام سیاسی، همانطور که ما هم پیش بینی کردیم، مدیون سیاست خود بوش است. به همین دلیل شمارش معکوس برای اشغال ایران توسط غرب شروع نشده است. قدرتش را ندارند. حتی شمارش معکوس برای محاصره اقتصادی هم شروع نشده است؛ قدرت این را هم ندارند.

آنچه که شروع شده است شمارش معکوس برای محیط متشنج و یک بازی تلافی جویانه است. شمارش معکوس برای ساختن یک فضای میلیتاریزه است. این فضایی است که هر اتفاقی در آن ممکن است. به انبار باروتی میماند که هر جرقه ای میتواند خواسته یا ناخواسته آن را منفجر کند. در این فضا ضربه های نظامی مستقیم یا غیرمستقیم محدود به ایران، اشغال بخشهای محدودی از ایران، و یا حتی بعکس حمله ایران به عراق و تصرف بخشهایی از آن، مین گذاری خلیج فارس، و به آشوب کشیدن کل منطقه از طرف جمهوری اسلامی ممکن است.

در این میان تنها ابزاری که آمریکا و غرب در اختیار دارند اینست که شیرازه های زندگی مدنی و اقتصاد و تولید و همه چیز را در ایران نابود کنند. این کار از دست آنها ساخته است. اینکه جمهوری اسلامی در مقابل دست به سلاح هسته ای خواهد

برد یا نه نمیدانم. هر کاری از دست جمهوری اسلامی ساخته است. مخاطره اصلی اشغال نظامی توسط آمریکا و یا حتی محاصره اقتصادی نیست. مخاطره اصلی بهم پاشیدن شیرازه زندگی در ایران و کل منطقه در یک کشمکش و ماجراجویی نظامی - ایدئولوژیک در میان دو قطب بزرگ تروریسم جهانی، یعنی آمریکا و اسلام سیاسی، است. میدان برای این ماجراجویی باز شده است. جمهوری اسلامی میتواند، اگر تا کنون نشده باشد، به سلاح هسته ای مسلح گردد. آمریکا هم که تنها دولتی است که سلاح هسته ای را علیه مردم بیگناه هیروشیما و ناکازاکی بکار برده است. هر دو دولت آنقدر جنایتکار هستند که اگر منفعت شان اقتضا کند سلاح هسته ای را بکار گیرند.

منظورم اینست که ما با پدیده متفاوتی روبرو هستیم. مساله تکرار نمونه عراق نیست. ما میتوانیم شاهد اتفاقاتی بمراتب بدتر از عراق باشیم. توجه ما باید به این روندها باشد.

**مصطفی اسد پور:** اجازه بدهید کمی به جنبه های سیاسی کشمکشها بپردازیم. جمهوری اسلامی بشدت سرگرم بسیج حمایت از خود است. از جمله بحث "آپارتاید هسته ای" گرم است. میگویند چرا دیگران میتوانند و این رژیم نباید به چنین تکنیکی دسترسی داشته باشد. سوال من اینست که چقدر چنین استدلالی میتواند موجب تقویت موقعیت رژیم تهران شود؟

**کوروش مدرسی:** این استدلال میتواند برای جمهوری اسلامی نیرو جمع کند. غنی کردن اورانیوم، مطابق قوانین بین المللی غیرقانونی نیست. بعلاوه کلا قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای برای ایجاد آپارتاید هسته ای و دادن "امتیاز" داشتن آن به تعدادی از دولتهای دوست و هم پیمان غرب است. ما طرفدار خلع سلاح جهانی از سلاحهای هسته ای و کشتار جمعی هستیم. نه جمهوری اسلامی و نه آمریکا و نه هیچ کس نباید سلاح هسته ای داشته باشد. تولید، انبار

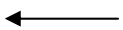
کردن و بکارگیری هر نوع سلاح کشتار جمعی که مردم را قربانی خود میکند باید جرم اعلام شود. به جز این ممنوعیت گسترش سلاحهای هسته ای، قرار دادی برای محدود کردن حق داشتن این سلاح ها و در نتیجه حق زورگویی به دولت های "نورچشمی" است.

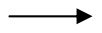
در نتیجه تبلیغات جمهوری اسلامی میتواند احساسات ضدامپریالیستی و ناسیونالیستی را در هر گوشه جهان بسیج کند. اما مهمتر از همه این است که این تبلیغات و این فضا به جمهوری اسلامی امکان میدهد، و داده است، که خود دست به تحریک احساسات ناسیونالیستی در ایران بزند. جمهوری اسلامی دارد کشمکش جاری را به یک "مساله ملی" تبدیل میکند. سعی میکند "عرق ملی" مردم را به جوش آورد و از این طریق نیرو بسیج کند.

**مصطفی اسد پور:** دقیقاً همین ماجرا در حال شکلگیری است. صحبت از نخبگان و دانشمندان ایرانی و دستمایه افتخار ایران و اسلام در سراسر دنیا، به وفور یافت میشود. از این لحاظ اوضاع سیاسی ایران چشمگیر شده است.

**کوروش مدرسی:** دقیقاً همین کار را میکند. اما ستون فقرات جمهوری اسلامی در یک نقطه تماماً شکننده است. آنهم در مقابل مردم است. اگر کسی قرار است و میتواند این مخاطره را از سر مردم ایران دور کند فقط خود مردم ایران هستند نه آمریکا یا غرب. دو طرف این دعوا بغایت ارتجاعی هستند و هیچ حرمتی برای انسان قابل نیستند، حاضرند به خاطر منفعت اسلام و منفعت آمریکا میلیونها مردم منطقه را کشتار و یا خانه خراب و بدمخت کنند و سر سوزنی هم خم به ابرو نخواهند آورد. همانطور که در نمونه عراق چنین کردند.

بحث من اینست که جلوی این روند را میشود گرفت و جلویش را باید گرفت، چرا که در غیر اینصورت کل یک منطقه به نابودی کشانده میشود.





ما مصمم هستیم تا آنجا که در قدرت داریم جلوی این خطر و این روند را بگیریم سرنگونی جمهوری اسلامی، قیام علیه آن مطمئن ترین راه، کم در دسترترین راه برای بیرون آمدن از خطری است که بالای سرمان پر میزند. بزرگترین اشتباه، خودفروبی و سر زیر برف کردن است. بزرگترین اشتباه افتادن دنبال تبلیغات ناسیونالیستی - مذهبی جمهوری اسلامی و یا توجیهات ارتجاعی آمریکا و جریانات اپوزیسیون راست است که برای دخالت نظامی آمریکا روز شماری میکنند.

**مصطفی اسد پور:** دست آمریکا برای خلق سناریوی مورد اشاره شما چقدر باز است؟

**کوروش مدرسی:** دست آمریکا برای اشغال ایران بسته است اما برای به خاک و خون کشیدن مردم ایران امکانش را دارد. با رو شدن کل سناریوی عراق در دنیا در میان مردم شرافتمند کسی پیدا نمیشود که هیچ توهمی به آمریکا داشته باشد. به همین دلیل دایره امکانات آمریکا به ماجراجویی نظامی - اقتصادی محدود شده است. آمریکا ممکن است ترکیبی از نیروهای خود و دارو دسته های ارتجاعی مسلح شده توسط خود، عملیات تروریستی و خرابکاری و غیره را بکار گیرد. فضای سیاسی منطقه به آنچنان لجنزاری تبدیل شده که در آن هرگونه ماجراجویی ممکن است. در هر حال قربانی آن مردم خواهند بود.

**مصطفی اسد پور:** جمهوری اسلامی از ستون فقرات شکننده ای برخوردار است، و خود اینها از ظرفیتهای آمریکا علیه حکومت شان آگاهند، سوال اینست که جمهوری اسلامی در این ماجرا چه نفعی دارد؟ چرا آتش را تندتر میکنند؟

**کوروش مدرسی:** ببینید، جمهوری اسلامی تنها شانس ماندنش در همین است. جمهوری اسلامی میتواند روی

خرابه های ایران کماکان به حیاتش ادامه دهد. هر تیری که آمریکا، اسرائیل و یا هر دست پرورده دیگری، به سوی ایران شلیک کند، به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکند. هر تهدید اقتصادی که علیه رژیم مطرح شود، به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکند. به این دلیل که مردم را عقب میزند. این فضا شناس ماندن برای جمهوری اسلامی را به ارمان دارد. جمهوری اسلامی تمام منفعتش در حفظ و دامن زدن به این فضا است. اگر اینکار را نکند، آنوقت باید جواب مردمش را بدهد. این رژیم چنین جوابی را ندارد.

حمله آمریکا به عراق، همانطور که پیش بینی کرده بودیم، نه تنها باعث محدود شدن سلاحهای کشتار جمعی نشد، بلکه مسابقه برای دسترسی به آن را دامن زد. جمهوری اسلامی تنها شناس و تنها ابزار بازدارنده اش در مقابل آمریکا سلاح هسته ای است. آمریکا نشان داد که در پرتو سیاست "ضربه پیشگیرانه" و نظم نوینش نه به قوانین بین المللی و نه به افکار عمومی مردم و نه به سازمان ملل و غیره وقعی نمی گذارد. هر وقت زورش برسد هر کاری را که به نفع خود بدانند انجام میدهد. این سیاست دنیا را به محل بسیار خطرناک تری تبدیل کرده است.

**مصطفی اسد پور:** در برخورد به این کشمکشها بعضا شنیده میشود که مخاطرات جدی نیستند. میگویند جمهوری اسلامی خبره اند، آخوند های زرنگ در لحظه آخر عقب مینشینند. میگویند، "میگذرد"!

**کوروش مدرسی:** روی این یکی نباید شرط بست. میتواند "نگذرد"! کسی میتواند با چنین ریسکی آینده خود و چندین نسل دیگر را به قمار بگذارد؟ با "انشالله گره است" نمیشود زندگی کرد. شما حاضرید زندگی و بود و نبود خود و فرزندانتان را در گرو چند "آخوند زرنگ" یا سیاستمدار "عقل" از نوع جرج بوش بگذارید؟ بنظر من این شرط بندی یک شرط بندی بسیار خطرناک است. باید این خطر را دور زد. باید از این مهلکه

جان بدر برد.

**مصطفی اسد پور:** میخواستم بپرسم در این بحبوحه مردم ایران بر علیه چه پدیده ای و کدام موضع را باید اتخاذ کنند؟

**کوروش مدرسی:** موضع مردم تنها این میتواند باشد که جمهوری اسلامی فوراً باید برود. مردم باید علیه این رژیم قیام کنند. چشم دوختن یا امید بستن به آمریکا سم است. ما باید خودمان هرچه زودتر از شر جمهوری اسلامی خلاص شویم. جمهوری اسلامی همین امروز باید برود و منشور سرنگونی بعنوان قانون اعلام گردد. بنظر من این تنها راه بیرون آمدن از مهلکه و این بن بست است.

**مصطفی اسد پور:** آیا این واقعاً یک بن بست است؟ اگر بن بست که در انتهای آن جمهوری اسلامی بهر حال میخاهد صاحب تکنیک اتمی شود را در نظر بگیریم، آنوقت سوال این میشود که آیا مخالفت با جمهوری اسلامی اتمی شده برای مردم موردی دارد؟

**کوروش مدرسی:** اولاً جمهوری اسلامی اگر اتمی شود برای مردم ایران و مردم منطقه یک فاجعه است. اگر نمیخواهیم که جمهوری اسلامی اتمی شود - که نباید هم بخواهیم - آنوقت تنها راهش اینست که قیام کنیم و رژیم را سرنگون کنیم بحث من دقیقاً همین است که کشمکش میان آمریکا و جمهوری اسلامی میدان بازی مردم نیست. فاجعه جلوی درب خانه ما خوابیده است. اگر مردم رژیم را سرنگون کنند میتوانند مانع این فاجعه شوند.

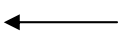
**مصطفی اسد پور:** یک استنتاج ساده و رایج از تشنجات دیپلماتیک جاری این است که دست جمهوری اسلامی روی مردم درازتر خواهد شد. طرحی به اسم "مبارزه با مفاسد" از طرف رژیم در حکومتی که سر تا پا خود فساد است، بلافاصله روی را به طرف آستین کوتاه پسران و رنگ

دامن دختران و آنتن های بشقابی گردانده است. میخواستم بپرسم خود این کشمکش های اتمی چه امکانات تازه ای را در اختیار رژیم علیه مردم قرار میدهد؟

**کوروش مدرسی:** این سوال جواب آری یا نه ساده ندارد. طبعاً جمهوری اسلامی تلاش میکند که از این تشنج نظامی برکتی برای رژیم خود بسازد و مردم را مرعوب کند. اما اینکه میتواند یا نه دیگر به مردم برمیگردد. جمهوری اسلامی بخودی خود از امکان کمتر یا بیشتری برخوردار نیست. میشود به آنها میدان داد تا دست روی مردم دراز کند و در عین حال میشود هم آنها سرنگون کرد. اینکه جمهوری اسلامی چقدر "میتواند" چنین تعرضی را به سرانجام برساند را ما مردم تعیین میکنیم. میدان مانور جمهوری اسلامی را مقاومت و مقابله مردم محدود میکند. اگر اجازه دهیم حتماً تا آخر خط خواهند رفت. هیچ چیز از سرنوشت مقدری وجود ندارد. در میدان یک فاعل تعیین کننده دیگر هست که مردم هستند. حدود دست درازی رژیم را مردم تعیین میکنند.

همینکه فضای نظامی بوجود آورده اند به رژیم "بهبانه" میدهد که به مردم تعرض کند. اینکه این بهانه چقدر کاراست را دیگر ما تعیین میکنیم. اگر همین فردا جلوی کنترل مدارس، جلوی دست درازی گشت حزب الله را بگیریم و اگر اعتصابات را سازمان دهیم جلو تعرض رژیم گرفته میشود. اگر بطور مثال کارگران برق اعتصاب کنند، اگر کارگران نفت شیر نفت را ببندند، اگر ... و اگر کارگران صنایع اصلی به جای دست گرفتن به کلاه خود یقه رژیم را بگیرند که چندین نسل آینده مردم را بنیاد نهد، اگر مردم قیام کنند، رژیم سرنگون خواهد شد.

**مصطفی اسد پور:** آیا مخصصه جمهوری اسلامی در سطح بین المللی و اینکه تحت فشار قرار بگیرد میتواند برای مردم یک فرصت بحساب بیاید؟



## ماهانه می پرسد؟

### آذر مدرسی



#### ماهانه:

- موضع سخت احمدی نژاد در سازمان ملل در ارتباط با مساله اتمی، تنش موجود آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی بر سر این مساله را حادث کرده است. چرا و با اتکاء بر چه موقعیتی جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی ایستادگی و سرسختی میکند؟

**آذر مدرسی:** اینکه امروز احمدی نژاد میتواند اینطور قاطع و از موضعی نه فقط برابر بلکه بالا در مقابل سازمان ملل و آمریکا بایستد را

باید در موقعیت بین المللی که جمهوری اسلامی پس از حمله آمریکا به عراق بدست آورده است، جستجو کرد. موقعیت امروز جمهوری اسلامی با موقعیتی که قبل از حمله آمریکا به عراق داشت متفاوت است. تأثیرات مخرب حمله آمریکا به عراق را چه در سطح بین المللی و چه در سطح منطقه و عراق میتوان از زوایای مختلفی بررسی کرد اما یکی از نتایج و عواقب این حمله باز شدن دست اسلام سیاسی در عراق و منطقه است. امروز عراق جولانگاه نیروهای ارتجاعی از آمریکا و متحدینش گرفته تا نیروهای

اسلامی و قومی و ملی است. جنگ دو قطب جهانی تروریسم وضعیت سیاه و ناامنی را به مردم در عراق تحمیل کرده و جمهوری اسلامی یکی از پایه های این وضعیت است. هر تهدید جمهوری اسلامی از طرف غرب فوری جوابش را با چند بمب گذاری در عراق و قربانی گرفتن از مردم بیگناه عراق میگیرد. دست بالا پیدا کردن اسلام سیاسی در عراق بطور بلافصل به معنی قدرتمندتر شدن جمهوری اسلامی در مقابل غرب است و بالانس قدرت میان جمهوری اسلامی و غرب را به نفع رژیم اسلامی تغییر داد. این جواب سر بالا دادن و ایستادن احمدی نژاد در مقابل سازمان ملل ناشی از این موقعیت مناسبتر و قدرتمندتر جمهوری اسلامی است. با توجه به این موقعیت دیگر نمیتوان به راحتی جمهوری اسلامی را تحت فشار گذاشت و وادار به عقب نشینی کرد و سرسختی احمدی نژاد از این موقعیت ناشی میشود.

#### ماهانه:

- اصل نزاع بر سر چیست؟ آیا

قراردادهای بین المللی از جمله "قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی" توسط جمهوری اسلامی نقض شده است؟

**آذر مدرسی:** طبق قوانین بین المللی ایران هنوز هیچ قرارداد و قانونی را نقض نکرده. این را آمریکا و غرب بخوبی میدانند. ادعای نقض این قرارداد بهانه ای برای تصفیه حسابهای دیگر بین غرب و ایران است، نزاعی که هر روز بهانه های متفاوتی برای آن پیدا میکنند و امروز از مجرای نقض یا عدم نقض این قرارداد میگذرد. اصل دعوا بر سر محدود کردن جمهوری اسلامی بعنوان یکی از ارکان اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در منطقه و جهان است. اگر جمهوری اسلامی رژیمی به همین درجه اسلامی و سیاه و ضد مردمی بود اما مانند عربستان رژیمی از نظر غرب و آمریکا متعارف بود آمریکا و غرب با آن مشکلی نداشتند. همانطور که امروز با این کشورها اگر به سلاح اتمی هم مسلح شوند کاری ندارند. دعوی واقعی دعوی تروریسم اسلامی ←

بزرگتری از نمونه عراق باز میکند.

**مصطفی اسدپور:** با بازگشایی مدارس و دانشگاهها فضای سیاسی شتاب تازه تری میگیرد. شهریورماه امسال شاهد بزرگترین تحرکات اعتراضی کارگری بودیم. سوال من اینست که یک جوان معترض، یک زن و یا یک کارگر معترض در سایه این اتفاقات و مباحث شما، در راهی که در مقابله با جمهوری اسلامی می رود آیا لازم دارد به فاکتورهای تازه تری عطف توجه نشان دهد؟

**کوروش مدرسی:** تا آنجا که به مدارس و دانشگاهها مربوط میشود منم با پیام اخیر سازمان جوانان حکمتیست موافقم که باید سعی کرد کنترل محیطهای آموزشی را از نظر سیاسی، از نظر آموزشی و فرهنگی از دست جریانهای اسلامی و رژیم، و همینطور از دست اپوزیسیون راست خارج کرد. اوضاع را کمونیستها و

ز لوی مفت خور انبار شده است. سرنگون کردن جمهوری اسلامی دست نیرویی در آن جامعه را میبوسد که از همه قویتر است. طبقه کارگر از همه قویتر است. به این دلیل ساده که اگر برق و آب و صنایع کلیدی اعتصاب کنند، آنوقت دیگر حتی ممکن است نیازی به قیام هم نباشد. خود این اعتصابات میتواند کار رژیم را یکسره کند. نزدیکترین راه نجات همین است. بدون خونریزی میتوان جمهوری اسلامی را قلع و قمع کرد. این کار بیش از هر کس دست طبقه کارگر و کمونیستها را میبوسد. ما تلاش میکنیم چنین سناریویی را سازمان دهیم و به واقعیت تبدیل کنیم. فراخوان ما این است که طبقه کارگر به این حرکت بپیوندد، در غیر اینصورت راه خروجی نیست.

از ادیخواهان باید بدست بگیرند. این بمعنای یک دنیا کار، به معنای تبدیل شدن به رهبر اعتراضات دانشگاهها و مدارس، بمعنای تسخیر محیطهای آموزشی توسط چپ است. این هم دست دانشجویان و هم دست معلمان را میبوسد.

در مورد طبقه کارگر و مردم زحمتکش من فکر میکنم که جامعه ایران در خطر یک فلاکت بزرگ است. مساله اقتصاد و مساله معیشت مردم دارد به یک مساله محوری جامعه تبدیل میشود. در مقابل این خطر سد نفاعی را تنها در میدان اقتصادی نمیتوان بست. چنین سدی بیش از هر چیز یک سد سیاسی است. اگر طبقه کارگر این واقعیت حیاتی را برای خود روشن نکند که تنها راه نجات از این وضعیت سرنگون کردن جمهوری اسلامی است، بازی را خواهیم باخت. در جامعه ثروت هست مسئله این است که این ثروت در دست یک عده

**کوروش مدرسی:** بنظر من چنین تلقی یک اشتباه بزرگ است. چون در یک فضای نظامی تجربه عراق است که تکرار خواهد شد. نمونه عراق نشان داد که در متن چنین سیاستی فقط گانگسترهای سیاسی و عوامل سناریو سیاه است که رشد میکنند. بزرگترین خطای سیاسی است اگر کسی فکر کند با یک عملیات نظامی آمریکا فرصت برای کمونیستها یا از ادیخواهان باز خواهد شد. هر سر سوزن فرصت برای کمونیست ها و از ادیخواهان با یک دنیا امکانات برای نیروهای ارتجاعی و باند سیاهی همراه خواهد شد. چشم بوختن به این چنین "فرصت هایی" یک اشتباه مهلک است. کاری که ما باید بکنیم اینست که روی پای خود بایستیم و با این نیرو رژیم جمهوری اسلامی را بیاندازیم. این تنها راه است. در غیر اینصورت هر گونه توهمی راه را برای فاجعه بسیار

به حزب کمونیست کارگری ایران \_ حکمتیست بپیوندید!



و تروریسم و میلیتاریسم امریکا است.

غرب میخواید جمهوری اسلامی دستش از فلسطین و عراق و منطقه کوتاه شود. دعوا بر سر بلامنازع بودن قدرت غرب و در راس آن امریکا در منطقه و بر سر بالانس قدرت میان اسلام سیاسی و امریکا است. بالانس میان دو قطب تروریستی، بالانسی که با 11 سپتامبر و حمله به عراق به نفع اسلامی سیاسی تغییر کرد و تروریسم اسلامی را به نیروی جدی این بار در مقابل امریکا به میدان آورد. جریانات اسلامی سالهاست که از مردم ایران و عراق و افغانستان قربانی میگیرند و امریکا و غرب با آن مشکلی نداشته اند. بعد از 11 سپتامبر معلوم شد که اسلام سیاسی دیگر صرفا حربه ای برای مقابله با مردم و جنبش آزادیخواهانه و چپ آنها نیست، روشن شد که این جریان سهم بیشتری از قدرت در منطقه را میخواید، 11 سپتامبر اعلام جنگ تروریسم اسلامی نه به مردم بلکه به دول غربی و امریکا بود. همانطور که گفتیم حمله امریکا به عراق دست این جریان تروریستی را باز کرد و بطور مشخص جمهوری اسلامی بعنوان یکی از ارکان این تروریسم دست بالا را پیدا کرد. مهار کردن این تروریسم و محدود کردن آن در مقابل غرب صورت مسئله اصلی دعوای غرب با جمهوری اسلامی است.

#### ماهانه:

- در گرمای گرم شدن تنش بر سر مساله اتمی، جمهوری اسلامی به بهانه سالگرد جنگ با عراق کاملا عامدانه دست به نمایش قدرت نظامی و از جمله نمایش توان تکنولوژی موشکی خود زده است. تا چه حد تنش موجود به جمهوری اسلامی امکان میدهد که فضای جامعه را میلیتاریزه کند؟ نظامی کردن فضای جامعه در این شرایط چه پیامدی برای مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی خواهد داشت؟

**آثر مدرسی:** هرچند جمهوری اسلامی توانسته با اتکا به قدرت و نفوذ در عراق از موقعیت

مناسبتی در مقابل غرب برخوردار شود اما موقعیت درونی آن به معنی رابطه رژیم با مردم، وجود یک جنبش عظیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی اوضاع برای مردم و رژیم تغییری نکرده است. ما کماکان شاهد تقابل میان مردم و جمهوری اسلامی هستیم. صورت مسئله مردم و جمهوری اسلامی کماکان همان است که بوده. ماندن یا رفتن و سرنگون کردن این رژیم. با انتخاب احمدی نژاد هر دو طرف این تقابل، مردم و رژیم، نوره ای از سنجین قدرت طرف مقابل و توازن قوای جدید میان خودشان را از سر میگیرند. پس از انتخابات رئیس جمهوری ما از طرفی شاهد اعتراضات مردم هستیم و از طرف دیگر شاهد شاخ و شانه کشیدنهای رژیم و در عین حال هراسش از تعرض جدی به مردم هستیم. هر دو طرف با احتیاط قدمهای بعدی پیشرویشان را در این جدال می سنجند و عمل میکنند. در این اوضاع طبیعی است که رژیم از هر بهانه ای برای دست بالا پیدا کردن و بوجود آوردن فضای سرکوب و ارباب استفاده کند. بهانه سالگرد جنگ با عراق، خطر حمله امریکا و ... همگی بهانه هائی برای نظامی کردن فضا و تقابل با اعتراضات مردم است. قطعا اگر رژیم در بوجود آوردن این فضا موفق شود میتواند برای دوره ای اعتراضات مردم را به عقب براند و موقعیت خودش را در مقابل مردم مستحکمتر کند. مسئله خطر حمله و یا محاصره اقتصادی، خطر ناامن شدن فضای جامعه بخصوص که مردم وضعیت عراق را در مقابل خود میبینند و هراس از اینکه آنها هم چنین سرنوشتی پیدا کنند، مولفه هایی است که بطور واقعی روی مردم تاثیرات منفی اش را میگذارد.

مجموعا این تهدیدات موقعیت مردم را در مقابل جمهوری اسلامی ضعیفتر میکند. ما قبلا هم گفته ایم هر تیری که به طرف ایران شلیک شود چند روز به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکند. امروز شاهد همین وضعیت هستیم. تهدیدات غرب دارد دست جمهوری اسلامی را در میلیتاریزه کردن فضا و تقابل و

سرکوب اعتراضات مردم به بهانه تهدیدات خارجی باز کرده.

#### ماهانه:

- خطر یک جمهوری اسلامی مجهز به سلاح اتمی برای مردم جهان، منطقه و ایران را چه میزان ارزیابی میکنید؟

**آثر مدرسی:** قطعا یک رژیم اسلامی و تروریستی مسلح به سلاح اتمی یکی از خطرات جدی برای امنیت مردم جهان است. مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح اتمی به معنی مسلح شدن هر دارودسته تروریستی اسلامی در ایران و عراق و فلسطین و راستش تمام دنیا به سلاح اتمی است. فردا هر بانندی از اینها میتواند تهدیدی جدی برای جان و زندگی مردم در دنیا باشد.

اما اجازه بدهید همینجا کلا در مورد سلاحهای اتمی نکته ای را بگویم. همین امروز هم جهان در اثر مسلح بودن امریکا و غرب به سلاحهای اتمی به اندازه کافی ناامن هست. امروز با مسلح بودن امریکا و غرب و بخش وسیعی از کشورهای متحد شان به سلاح اتمی، داشتن سلاح اتمی به نرمی تبدیل شده است. امروز هر جریانی بخواهد در مقابل غرب عرض اندام کند مجبور است به سلاح اتمی مسلح شود. سلاح اتمی امروز مثل داشتن هواپیمای جنگی در اوایل قرن بیستم است. در نتیجه اگر کسی مخالف داشتن سلاح اتمی است باید همه کشورها منجمله و در راس آن امریکا خلع سلاح شوند. تجربه عراق نشان داد که برای داشتن یک دنیای امن برای بشریت و مقابله با میلیتاریزه شدن جهان باید همه دولتها خلع سلاح شوند.

#### ماهانه:

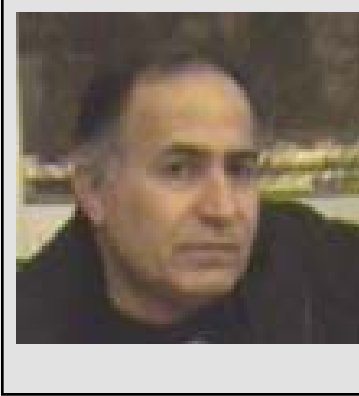
- مهار خطر جمهوری اسلامی توسط امریکا و اروپا یا سرنگونی آن به نیروی خیزش و قیام مردم ایران؟ ترجیح شما روشن است استدلال شما چیست؟

**آثر مدرسی:** همانطور که گفتید ترجیح من روشن است. اما چرا؟ راهی که امریکا و اروپا برای مهار کردن جمهوری اسلامی دارند چیزی

نیست جز عراقیزه کردن ایران. محاصره اقتصادی و دخالت نظامی راههایی است که اینها برای به اصطلاح مهار کردن جمهوری اسلامی پیشنهاد میکنند و تنها راههایی است که غرب سنتا برای تغییر رژیمهایی که با آنها مشکل دارد در پیش گرفته. هر دوی اینها دقیقا یعنی تبدیل ایران به عراق نوم در منطقه. محاصره اقتصادی یعنی تحمیل فقر و فلاکتی صد چندان به مردم اولین قربانیان محاصره اقتصادی نه سران رژیم و بورژوازی ایران که از همین حالا مشغول بیرون کردن سرمایه شان از ایران هستند بلکه میلیونها انسانی هستند که امروز علیه فقری که جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده است مبارزه میکنند. در صورت دخالت نظامی امریکا هم روشن است با وجود انواع دارودسته و باندهای اسلامی و قومی در ایران چنان وضعیت سیاهی به مردم تحمیل میشود که عراق در مقایسه با آن جزیره ای امن خواهد بود. این به اصطلاح مهار کردن نتیجه ای جز تبدیل ایران به یوگوسلاوی و عراق دیگر معنی دیگری ندارد.

اما فقط مهار کردن جمهوری اسلامی برای مردم در ایران کافی نیست. همانطور که گفتیم مسئله مردم کماکان رفتن جمهوری اسلامی است. و این ممکن نیست مگر با حضور مردم در صحنه سیاست و وجود یک جنبش رادیکال و انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی. رفتن جمهوری اسلامی از نظر مردم یعنی خلع سلاح کردن همه نیروهای و دارودسته های نظامی و اوباش جمهوری اسلامی، یعنی جمع کردن بساط دستگاه مذهبی، یعنی آزادی بی قیدو شرط سیاسی، یعنی آزادی همه زندانیان سیاسی، یعنی لغو مجازات اعدام، یعنی کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، یعنی برابری مطلق زن و مرد و ... همه اینها با یک قیام توده ای که همه دم و دستگاه رژیم را در هم بکوبد ممکن است. هر نوع دیگری از سرنگونی و تغییر رژیم بدون متحقق شدن این خواستها صرفا تغییری در راس رژیم و نگه داشتن دستگاه سرکوب و باندهای سیاه اسلامی و قومی است. ←

## "بمب" جمهوری اسلامی، خطر اصلی است!



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

مایشائی یک "مافیای نفتی" در وزارت نفت و حیف و میل کردنهای میلیاردری توسط کسانی که "مصلحت" نظام اجازه افشای نام آنان را نداده است، و در این اواخر اعلام تعطیل احتمالی "ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی" نشان میدهد که هر نوع تلاش برای نوعی انسجام واحد و استاندارد رسمی و دولتی، حتی به آن شکلی که مثلاً در عربستان سعودی اعمال میشود، به سد "مراکز متعدد قدرت" برمیخورد، مراکزی که قدرت نظامی و نیروی نظامی و امنیتی خود ویژه را به عنوان حافظ آن قدر قدرتی اقتصادی نیز بکار میگیرند. و رژیم اسلامی حکومت ائتلافی چنین باندها و دارو دستجات سر تا پا مسلح و در عین حال حاکم بر میدان عملیات مافیائی در عرصه اقتصاد است. اقتصاد و تولید تحت چنین رژیمی

خود در اقتصاد فعالیتهای خودمختاری را دارند که دست بردن به آنها کار ساده ای نیست. بیت رهبری، آستانهای رضوی و هر عنصر و آخوند و سردار و مقام امنیتی و رئیس هر نهاد حکومتی و هر نهاد "فرهنگی" اسلامی، از هاشمی رفسنجانی و هر بیت و حوزه جهلیه گرفته تا جنتی و واعظ طبسی خود در راس یک مافیای خود ویژه و "خودسر" اقتصادی هم قرار گرفته اند. سپاه پاسداران تقریباً حاکمیت انحصاری بر بنادر و صادرات و واردات را دارد و فعالیتهای ارگانهای وزارت اطلاعات و افراد "بانفوذ" اطلاعاتی و امنیتی در اقتصاد چنان پروبال گرفته است که هیچ مقام رسمی و هیچ هیات بازرسی از عهده کنترل و حسابرسی آن بر نیامده است. اشاره هر از گاه مقامات جمهوری اسلامی به وجود و فعال

داری چه از نظر داخلی و چه از نظر جهانی بازمانده است. جمهوری اسلامی رژیم لایه ای از باندهای اسلامی است که نه تنها در نهادها و ارگانهای نظامی و امنیتی رسمی و غیر رسمی، و به گفته سران جناحها، ارگانهای "موازی"، عمیقاً ریشه دوانده اند، بلکه هر ارگان و نهاد نظامی و سپاهی و بسیجی و امنیتی

"بحران اتمی" که ظاهراً تناقض رژیم اسلامی با موازین بین المللی را در نقطه یک تشنج حاد قرار داده است، فقط نمائی از تناقض حکومت اسلام سیاسی با نیازهای جامعه ایران از یک سو و با مکانیسمهای اقتصاد بازار جهانی از سوی دیگر را برجسته تر کرد. این رژیم از راه اندازی مکانیسمهای اقتصاد سرمایه

ایران و رفع خطر از زندگی توده های مردم در منطقه و جهان باشد، به نظر شما چیست؟

**آثر مدرسی:** به نظر من سیاست کمونیستی در قبال این مسئله مقابله روشن با جمهوری اسلامی مسلح به سلاح اتمی است. اینکه خود غرب و امریکا مسلح به سلاح اتمی چه خطری برای مردم در دنیا است تعبیری در مسئله نمیدهد. در عین حال باید در مقابل هر نوع دخالت نظامی غرب و علیه محاصره اقتصادی که فقر بیشتری را به مردم تحمیل میکند ایستاد. باید روشن اعلام کرد تصفیه حساب با جمهوری اسلامی کار ما مردم است. و این فقط با متحد کردن جنبش مردم برای سرنگون کردن رژیم اسلامی حول پرچمی رادیکال و انسانی پرچم چپ، آزادیخواهی و برابری طلبی. اگر جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران حول چنین پرچمی متحد شود و آترناتیو چپ را انتخاب کند. این تنها شانس نجات پیدا کردن جامعه و راستش منطقه و جهان از شر جمهوری اسلامی و به طریق اولی اسلام سیاسی است.

عملی شدن تهدیدات غرب علیه جمهوری اسلامی برعکس تصور این بخش از اپوزیسیون "چپ" شرایط را برای مبارزه مردم سخت تر میکند. در دل یک جامعه وحشت زده از آینده اش، جامعه ای که تحت تهدیدات خارجی فضای ترس و میلیونابیزم قوی میشود نمیتوان به راحتی انقلاب کرد. جامعه در چنین فضایی سکوت میکند و محتاط میشود. این تصور سنتی چپهایی است که فکر میکنند فقر و فلاکت و سرکوب و جنگ عوامل موثر در رشد مبارزات مردم و انقلاب آنها دارد. اینها تصویر کسی است که مکاتیزم قدرتمند شدن مبارزات مردم را نمیفهمند. نمیفهمند که هرچه آزادی و امنیت بیشتر باشد امکان متشکل شدن، مبارزه کردن و تقابل با وضعیت موجود بیشتر است. درست است زمانیکه مردم جانشان به لب برسد و ببینند دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند به میدان می آیند اما این یعنی سالها سرکوب و استبداد و فقر و فلاکت بیشتر.

### ماهانه:

- ارکان یک سیاست اصولی کمونیستی در قبال کشمکش اتمی جمهوری اسلامی با دولتهای غربی، که بازتاب منافع بلاواسطه مردم

شود، هستیم و این قابل پیشبینی بود. قطعاً بخشی از جامعه تحت تاثیر این تبلیغات قرار میگیرد. اما من فکر نمیکنم این تبلیغات روی مبارزات مردم تاثیر جدی بگذارد. ببینید برای مردمی که خواهان سرنگون کردن جمهوری اسلامی هستند خطر یک رژیم با سلاح اتمی بسیار بیشتر از رژیمی است که چنین سلاحی را ندارد. مردم نه فقط نفعی از مسلح شدن رژیم به اسلحه اتمی نمیبرند بلکه آنوقت با رژیمی قویتر و قلدتر تر روبرو هستند. اینرا هر کسی میتواند به آسانی متوجه شود.

نفوذ ناسیونالیسم ایرانی هر چند هم در جامعه زیاد باشد تا این حد نیست که مردم را در مقابل خطر جمهوری اسلامی مسلح به سلاح اتمی در مقابل مبارزاتشان دارد، کور کند.

### ماهانه:

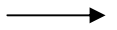
- چه باید کرد؟ حادثه شدن این تنش چه شرایطی برای جنبش سرنگونی ایجاد میکند؟ بخشی از اپوزیسیون "چپ" بر آن است که میتوان از چنان شرایطی برای به میدان آوردن مردم و به نفع "انقلاب" استفاده کرد؛ نظر شما در مورد این موضع چیست؟

**آثر مدرسی:** حادثه شدن این تنش و

ماهانه:

- اپوزیسیون راست مثل همیشه در مورد این تنش هم دنباله رو سیاست های آمریکاست. در عین حال چرخش دستکم بخشهایی از اپوزیسیون راست از زاویه ناسیونالیستی به حمایت از رژیم اسلامی در صورت حادثه شدن تنش ها و تهدیدات کاملاً محتمل است. در هر دو صورت، با توجه به توان تبلیغاتی اپوزیسیون راست، تاثیرات این مواضع بر روی مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم چقدر است؟ چگونه میتوان با آن مقابله کرد؟

**آثر مدرسی:** ما همیشه شاهد چرخشهای اپوزیسیون راست بوده ایم. با عروج دو خرداد بخشی از اینها قند در دلشان آب شد و امیدی به اینکه بدون دخالت مردم از درون تغییراتی در رژیم بدهند در میانشان اوج گرفت. با حمله امریکا به عراق شاهد بودیم که شعار بعد از عراق نوبت ایران است را سر دادند و از بوش برای حمله به ایران دعوت کردند. بعد هم دنبال فرماندم برای تغییر رژیم افتادند. امروز هم شاهد این چرخش، دقیقاً از سر ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی که چرا نباید "ایران پرگهر" به سلاح اتمی مسلح



غیر ممکن است راه اندازی شود. بحران بقا رژیم اسلامی در متن تعدد مراکز قدرت ملوک الطوائفی دستجات اسلامی فقط با کنار رفتن و ساقط کردن کل رژیم اسلامی "حل" خواهد شد، واقعیتی که نه غرب و آمریکا و نه اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی به آن تن نداده اند و کمکان تن نمیدهند.

آنچه که با بحران اتمی به جلو صحنه پرتاب شد، همین خصالت خود ویژه اسلام سیاسی در هیات حکومت جمهوری اسلامی است. مردم ایران باید به روشنی بدانند که چنانچه کل رژیم اسلامی به نیروی خود آنها بطور کامل در هم شکسته نشود، تحفه فدرالیست چی ها و قوم پرستان مرتجع در دوره فروپاشی جمهوری اسلامی و در دل تقابل نظامی و اقتصادی غرب و آمریکا علیه مردم ایران، استقلال آذربایجان جنوبی و جمهوری الاحواز و جمهوری عربی خوزستان و... توسط بقایای دستجات مسلح اسلامی که در تلاش برای بقا خود نیروهای خود را به شکل هر "ارتش آزادیبخش" خلقها در خواهند آورد، صحنه را در دست خواهند گرفت. این را وقایع عراق و تحولات یوگوسلاوی و فعالیت‌های جنایتکارانه ارتش آزادیبخشهای کوسوو و مقونوی و ارتش مهدی و نشانه های جمهوری "شیعیان" در جنوب عراق و عملیات فوق جنایتکارانه و انتحاری "سنی" ها به همه گفته اند.

تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی را با معضل اتخاذ "سیاست واحد" روبرو ساخت. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته تلویحا در مقابل تظاهراتی که توسط بسیج سپاه پاسداران راه افتاده بود که در آن فرمانده بسیج، سرتیپ پاسدار،

خود به صف تظاهرکنندگان پیوست و شعار مرگ بر انگلیس را سرداد، خطاب به اروپا و آمریکا گفت: " این میدان، برای شما میدانی است که عبور از آن آسان نیست، این میدان، میدانی مین گذاری شده و خطرناک است که اگر درست حرکت نکنید، هزینه های زیادی بر خود، منطقه و جهان تحمیل می کنید." اما بلافاصله نگرانی خود را از صف آشفته در بالاترین سطح حاکمیت خطاب به "مسئولان نظام" چنین بیان کرد:

"این میدان، به جای اینکه بیشتر جای شعار باشد، جای عقابیت، مذاکره و دریچه ای برای رسیدن به اهداف است. باید از اهرمها با صبر و مدبرانه بدون ایجاد تحریک و تنش استفاده کرد"

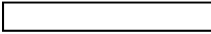
جالب این است که روز بعد از ایراد "خطبه" رئیس تشخیص مصلحت، تظاهراتی با شعارهایی علیه "ماقیای" نفتی که رفسنجانی و اعضای خانواده اش از مهمترین عناصر آن هستند برپا شد. کار به آنجا رسید که لاریجانی که تاکنون به عنوان یکی از عناصر تندرو و فالانژ جناح راست شناخته شده است همراه با محسن رضائی از میدان مدارا و ادامه سیر مذاکرات سر در آوردند.

و آخرین تحولات مربوط به تلاش "رهبر" برای افسار زدن به مطلق العنانی و استقلال و خودمختاری جناحها و باندها که در سه "قوه" لانه کرده اند، تعیین شورای مصلحت به عنوان ارگان ناظر بر کار هر سه قوه بود. و جالب است که در راس این شورای مصلحت کسی مثل رفسنجانی قرار گرفته است که تجربه شکست خورده دولت "سازندگی" و دو شکست بزرگ و کوبنده در انتخابات مجلس ششم و این آخرین انتخابات ریاست جمهوری را تحمل

کرده است. یعنی کسی که علاوه بر دریافت "عدم مشروعیت" اسلامی در همان مضحکه های انتخاباتی، خود مصداق یکی از تالانگران اقتصادی است. شورائی که کروی استعفا از آن را تقسیم رهبر کرده است و عذر ختمی بی سر و صدا خواسته شده است. حفظ ریسمان وحدت با چنین چسب و سریشهایی در متن یک تقابل نهادینه شده بین دارو دستجات سرتاپا مسلح به انواع سلاحها و به پشتوانه میدانهای خودمختار حاکمیت اقتصاد "رانت خواری" و در متن تاراجگریهای نهادینه شده میلیاردی مالی و پولی دستجات مختلف رژیم اسلامی، ممکن نیست. این رژیم قادر به حل بحران بقا خود نیست.

جمهوری اسلامی در درجه اول بزرگترین مانع خروج جامعه ایران از این بحران لاینحل اقتصادی و سیاسی است. این رژیم باید برود و باید همراه با تمامی باندها و دستجات مسلح و تمامی نهادهایی که پدیده اسلام سیاسی را بازتکثیر میکنند بزیور کشیده شود. این یک واقعیت جامعه ایران و عبور از آن یک وظیفه جامعه ایران و مردم ایران و مردم منطقه و جهان است. اما در همان حال بر متن تشدید بحران اتمی، اروپا و آمریکا نیز با تهدید به تحریم اقتصادی و احتمال دخالت های نظامی در مراحل حادث شدن بحران، در برابر این نیاز واقعی جامعه ایران، نسخه عراق و سناریو سیاه را بالای سر جامعه ایران آویزان کرده اند. تلاش سران رژیم اسلامی برای یافتن یک راه برون رفت "متحد" برای مقابله با هر دو حالت "خطر" به عینه آرایش عناصر سناریو سیاه در درون دستجات اسلامی را نشان میدهد. در هر صورت، این باندهای اسلامی برای

حفظ قدرت خود هم که باشد، ظرفیت روی آوری به جنون و حتی وارد شدن به تصفیه های خونین درونی را دارند. تنها راهی که میماند، خشک کردن این مرکز خطر و سیاهی است، قبل از آن که جامعه و منطقه و جهان "پا روی این میدان مین بگذارند" و مردم ایران، مردم منطقه و جامعه بشری را با تکرار اوضاع استیصال که دیروز در یوگوسلاوی و امروز در عراق و جدان بشری را در شنیعترین جنایات بی سابقه در منگنه گذاشته است، روبرو سازد. باید کاری کرد که قبل از مراحل تاخت و تاز "گردان" های مقاومتها و اشتباههای اسلامی و آغاز تصفیه های خونین بین دستجات اسلامی و تقابل اقتصادی و نظامی غرب و آمریکا با مردم ایران از نزدیک شدن جامعه ایران به میدان این باتلاق سهمناک جلوگیری کرد. جمهوری اسلامی را باید بزیور کشید و دول اروپائی و آمریکا را با اراده و تصمیم مردم ایران برای تعیین سرنوشت جامعه روبرو ساخت. راه متمنانه دیگری و راه کم در درسر تر و فارغ از خون و خونریزیهای وحشتناک برای دور زدن خطر اسلام سیاسی و رژیم آن در ایران و در نتیجه خطر تبعات "بحران اتمی" آن متصور نیست. منشور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی مصوب حزب ما، حکمتیستها، پلانفرم خروج متمنانه و با کمترین مصائب از بحران و بن بست است که سرتاپای جامعه ایران را در بر گرفته است.



تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چندی و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است. (یک دنیای بهتر)

## ماهانه می پرسد؟

حسین مراد بیگی (حمه سور)



### ماهانه:

موضع سخت احمدی نژاد در سازمان ملل در ارتباط با مساله اتمی، تنش موجود آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی بر سر این مساله را حائز کرده است. چرا و با اتکاء بر چه موقعیتی جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی ایستادگی و سرسختی میکند؟

### حمه سور:

موضع سخت احمدی نژاد و اعلام اینکه جمهوری اسلامی نه تنها تسلیم فشار دولت آمریکا و دول اروپائی نمیشود، بلکه بر آنها فشار نیز وارد خواهد آورد، مرهون موقعیتی است که جمهوری اسلامی در مقابل دولت آمریکا و دول غربی پیدا کرده است و این را جمهوری اسلامی از "برکت" حمله دولت آمریکا به عراق دارد. قبل از حمله دولت آمریکا به عراق ما گفتیم که با حمله دولت آمریکا به عراق اسلام سیاسی در منطقه تقویت خواهد شد، این را امروز دیگر کسی نمیتواند انکار کند. خود جمهوری اسلامی نیز بعنوان سر اسلام سیاسی در مقابل دولت آمریکا و دول اروپائی تقویت شده است. بقول دوستان دولت آمریکا در منطقه، دولت آمریکا به عراق حمله کرد تا آن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد! با توجه به گیر کردن دولت آمریکا و متحدین او در باتلاق عراق، امکان اعمال فشار دولت آمریکا و دول غربی بر جمهوری اسلامی بسیار ناچیز است. اگر بخواهند بر جمهوری اسلامی فشار بیآورند، جمهوری اسلامی که وسیعا در عراق دخالت دارد میتواند با یک مقدار پول و چند کیلو تی.ان.تی و بکارگرفتن چند تروریست اسلامی،

آن را همچنان در دست خود نگاهدارند. اگر بحث بر سر خلع سلاح هسته ای است باید اول از خود این دول و دیگر دول مسلح به سلاحهای هسته شروع کرد. بمب اتمی را دولت آمریکا علیه مردم ژاپن بکار برد. اکنون اما قبل از اینکه اصل نزاع بر سر سلاح هسته ای باشد، "پروژه اتمی شدن ایران" به ابزار رقابت و کشمکش و تصفیه حساب بین دو قطب تروریستی جهان، اسلام سیاسی، جمهوری اسلامی، و دولت آمریکا تبدیل شده است. جدالی که جمهوری اسلامی دارد به استقبال آن میرود. این یکی دیگر تسخیر سفارت آمریکا در سال 59 نیست، حتی قابل مقایسه با جنگ ایران و عراق هم نیست، رقابت و ماجراجویی دو قطب تروریستی و جنایتکار جهان در مقابل هم است، دو قدرت جنایتکار که یکی کشتار مردم ایران جزو هویت و حفظ بقایش است و دیگری که زراد خانه اتمی و نیمه اتمی وسیعی دارد و نشان داده است که در کشتار مردم و از هم گسیختن شیرازه مدنی جامعه باکی ندارد.

نتیجه این ماجراجویی و رجز خوانی طرفین دعوی، فاجعه ای است که دامن مردم و جامعه ایران را خواهد گرفت. این را باید دید و برای جلوگیری از این واقعه باید دست بکار شد. افتادن بدام طرفداری از هر کدام از این دو قطب جنایتکار، ریختن آب به آسیاب آنان و یاری دادن آنان به تحمیل فاجعه ای است هولناک تر از عراق به مردم و جامعه ایران. بی تفاوت ماندن و در انتظار وقوع فاجعه ماندن و یا درگیر مباحثات "حقوقی" و ارزیابی از نیروهای آنان شدن که کار رسانه های بی.بی.سی و سی.ان.ان است، عملا ندیدن عمق فاجعه ای است که جامعه و مردم ایران را از هم اکنون تهدید میکند.

### ماهانه:

آمریکا و اروپا در این کشمکش چه هدفی را تعقیب میکنند؟ و چه اهمی برای فشار بر جمهوری اسلامی در دست دارند؟

### حمه سور:

میخواهند جمهوری اسلامی از تولید

سلاح هسته ای دست بردارد و از دخالت در عراق و بی ثبات کردن بیشتر اوضاع عراق که دولت آمریکا در باتلاق آن گیر کرده است، خودداری کند. جمهوری اسلامی هم که در عراق دست بالایی دارد زیر بار نمیرود. دولت آمریکا و دول اروپائی البته اگر از ماجراجویی نظامی دست بردارند و اگر بخواهند میتوانند فشار بین المللی وسیعی را به جمهوری اسلامی وارد کنند. میتوانند جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت آپارتاید جنسی در سطح بین المللی کاملا منزوی کنند. میتوانند جمهوری اسلامی را به سازمانها و نهادهای بین المللی راه ندهند، میتوانند سفارخانه های جمهوری اسلامی، این لانه های صدور تروریسم اسلامی، را در کشورهای خود تعطیل کنند و همچنین به اپوزیسیون سیاسی مخالف جمهوری اسلامی کمک کنند. دولت آمریکا که سیاستش اساسا متکی به ماجراجویی نظامی است، دول اروپائی هم بخاطر منافع اقتصادی ای که در ایران دارند این کارها را نمیکند. جمهوری اسلامی نیز بدون گرفتن امتیاز مهمی از دولت آمریکا و دول اروپائی حاضر به دست کشیدن از تولید سلاح هسته ای و بخصوص دخالت در عراق نیست. دارد به استقبال مالیدن تن اسلام سیاسی به تن دولت آمریکا میرود. ماجراجویی که در کوتاه مدت جمهوری اسلامی را در مقابل مردم و جنبش سرنگونی طلبی تقویت و حتی هارتر میکند و نهایتا مردم و جامعه ایران را به سیاه چالی به مراتب بدتر از عراق سوق خواهد داد.

### ماهانه:

ارتباط این کشمکش با جنگ جاری دو قطب تروریسم جهانی که مرکز آن عراق است چیست؟ آمریکا و اروپا و جمهوری اسلامی کجای این رویارویی ایستاده اند و "پرونده اتمی ایران" در این میان چه جایگاهی دارد؟

### حمه سور:

عراق در واقع به مرکز جدال و کشمکش دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و دولت





آمریکا تبدیل شده است، این را بوش و دیک چنی هم دارند اعتراف میکنند. ادامه حضور دولت آمریکا در عراق، بمعنی حضور و دخالت همه جانبه جمهوری اسلامی و حضور و دخالت دیگر نیروهای اسلام سیاسی در عراق است. این دو همدیگر را مدام تقویت میکنند و در واقع سوخت سناریوی سیاهی را که به مردم عراق تحمیل کرده اند، بازتولید میکنند. عراق هم اکنون اگر در جنگ داخلی درگیر نباشد که هست در لبه پرتگاه یک جنگ داخلی تمام عیار قرار دارد. یک جمهوری اسلامی دیگر در عراق به یمن حمله نظامی دولت آمریکا دایر شده است. جمهوری اسلامی هر لحظه که اراده کند میتواند فشار دولت آمریکا بر خود را عقب براند. در مقابل دول غربی به شکست دولت آمریکا در عراق تن نخواهند داد. شکست دولت آمریکا در عراق بمعنی شکست متحدین دولت آمریکا و دول غربی در منطقه است و این را متحدین آمریکا اجازه نخواهند داد. به این دلیل عراق به مرکز و گرهگاه رقابت و کشمکش طرفین منازعه ای تبدیل شده است که یک سر آن جمهوری اسلامی و سر دیگر آن دولت آمریکا و متحدین او هستند. ادامه جدال و رقابت این دو قطب تروریستی بر سر آینده عراق، قرار است مردم عراق را در این سیاهچال سالها نگهدارد. جریان سوسیالیستی و صف رادیکال و سکولار این جامعه باید برای رهایی مردم عراق از چنبره این دو قطب تروریستی بطور جدی ای وارد عمل شود. باید به این وضعیت خاتمه داد. بخشی از این جدال اکنون در جدال بر سر "پروژه اتمی شدن ایران" ترجمه شده است. بازی خطرناکی که اگر مردم ایران جمهوری اسلامی را سرنگون نکنند، ایران را در ابعاد به مراتب خطرناک تری از عراق، در خود فرو خواهد برد. کل این پروژه را با بزییر کشیدن جمهوری اسلامی باید بهم زد.

#### ماهانه:

آیا اعمال فشارهای آمریکا و اروپا میتواند به انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی کمک

کند؟ در صورت ارجاع "پرونده اتمی ایران" به شورای امنیت سازمان ملل چه پیش خواهد آمد؟ موضع روسیه و چین و گروه دولتهای "غیرمتعهد" چیست و چه تاثیری در روند کشمکش جاری خواهد داشت؟

#### حمله سور:

اگر منظور از فشار تحریمهای اقتصادی است، خیر، تحریمهای اقتصادی به انزوای بین المللی جمهوری اسلامی منجر نمیشود. دامنه تحریمهای اقتصادی در این مورد بخصوص، اتفاقا بسیار محدود و ناچیز است، میتواند به عکس العمل مشابه دولت جمهوری اسلامی و بستن موقت راه صدور نفت نیز منجر شود. بعلاوه فشار تحریمهای اقتصادی عملا به مردم ایران منتقل شده و باعث گرسنگی دادن بیشتر به مردم ایران خواهد شد و حتی افکار عمومی را نیز علیه دولت آمریکا و متحدین او تحریک خواهد کرد. در کل تحریمهای اقتصادی و اقدامات نظامی در هر شکل آن تنها به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران تمام میشود. ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به سازمان ملل نیز فشار چندانی بر جمهوری اسلامی وارد نخواهد آورد، با توجه به اینکه دولت آمریکا و دول اروپائی اکنون دلیلی دال بر ساختن بمب اتمی از جانب جمهوری اسلامی نمیتوانند ارائه کنند، این کارها به اعمال فشار چندانی علیه جمهوری اسلامی منجر نخواهد شد. این قطعنامه را احتمالا چین و روسیه وتو خواهند کرد و دولتهای دیگری نیز هستند که بخاطر حفظ حق و حقوق خودشان در آینده نیز شده است، ممکن است به محکوم کردن جمهوری اسلامی رای ندهند. مساله مردم سرنگونی طلب همانطور که گفتیم اینها نیست، کل این بازی خطرناک سیاسی، به ضرر مردم سرنگونی طلب در ایران و در خدمت هارتز شدن جمهوری اسلامی در مقابل مردم ایران است. ماجراجویی خطرناکی که اگر گسترش یابد دوش تنها به چشم مردم ایران میروند. برای حکومت جنایتکاری مثل جمهوری اسلامی که

جنایت پایه و اساس را ساخته است چه باک که مردم ایران را به وضعیت مردم عراق و بدتر از آن نیز دچار کند. دولت آمریکا هم که نشان داده دست کمی از جمهوری اسلامی ندارد، کندن سیاهچالی از نوع عراق در ایران نیز میتواند راه حلی برای خاتمه این ماجراجویی نظامی باشد. نباید اجازه داد که این اتفاق بیفتد. باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی دست بکار شد.

#### ماهانه:

در گرماگرم حادثه تنش بر سر مساله اتمی، جمهوری اسلامی به بهانه سالگرد جنگ با عراق کاملا عامدانه دست به نمایش قدرت نظامی و از جمله نمایش توان تکنولوژی موشکی خود زده است. تا چه حد تنش موجود به جمهوری اسلامی امکان میدهد که فضای جامعه را میلیتاریزه کند؟ نظامی کردن فضای جامعه در این شرایط چه پیامدی برای مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی خواهد داشت (تجربه جنگ ایران و عراق)؟

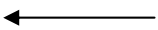
#### حمله سور:

کل این پروژه، "خبر و برکت"ی است برای جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن، دارند آن را آگاهانه دامن میزنند تا با آن فضای جامعه ایران را میلیتاریزه کنند. احمدی نژاد همگام با مانور نیروهای جمهوری اسلامی علنا صدایش را علیه دولت آمریکا بلندتر کرد. نمایش قدرت نظامی و توان تکنولوژی جمهوری اسلامی تازه مقدمه نظامی کردن فضای جامعه ایران است. نظامی کردن فضای ایران قبل از هر چیز به نفع جمهوری اسلامی و کاملا به ضرر جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران است. همراه آن رجز خوانی سران جمهوری اسلامی علیه مردم ایران تشدید میشود. جمهوری اسلامی تحت نام "خطر خارجی" مخالفین سیاسی خود را دستگیر میکند، شمار اعدامها در ایران بالا میروند، از مزایای کاری کارگران بیشتر میزنند. میتوانند تحت این نام محدودیت بیشتری بر زنان و جوانان تحمیل کنند، میتوانند فشار مالیاتی را بر مردم تشدید کنند، قیمت ها سریعاً

بالا میرود، مردم بیشتر گرسنگی داده میشوند، بچاپ بچاپ تشدید میشود، کمربندها را باید سفت کنید، جای وعده های سر خرمن احمدی نژاد را میگیرد و بساط روضه خوانی و سینه زنی را میتوانند مجددا در سطح وسیعی پهن کنند. میتوانند فشار نیروهای انتظامی و نظامی را بر مردم تشدید کنند، میتوانند با مانورهای نظامی امنیت را از مردم ایران بکلی سلب کنند، میتوانند به این بهانه حتی سرپازگیری کنند و کلا فضای جو و ارباب را در جامعه علیه نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی و مردم سرنگونی طلب تشدید کنند و هر اعتراضی را به این بهانه سرکوب کنند. کسانی که دانسته یا ندانسته بر "طبل افتخار" پروژه اتمی شدن جمهوری اسلامی میزنند و یا از دولت آمریکا حمایت میکنند، عملاً جمهوری اسلامی را در میلیتاریزه کردن فضای جامعه ایران و تحمیل این شرایط به مردم ایران یاری میدهند.

#### ماهانه:

جمهوری اسلامی تا چه حد میتواند در فضای این تنش ناسیونالیسم ایرانی را در داخل و ناسیونالیسم "ضد امپریالیستی" و "آنتی آمریکانیسم" در سطح جهان را پشت سر خود بیاورد؟ خطر یک جمهوری اسلامی مجهز به سلاح اتمی برای مردم جهان، منطقه و ایران را چه میزان ارزیابی میکنید؟ مهار خطر جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اروپا یا سرنگونی آن به نیروی خیزش و قیام مردم ایران؟ ترجیح شما روشن است استدلال شما چیست؟ اپوزیسیون راست مثل همیشه در مورد این تنش هم دنباله رو سیاست های آمریکاست. در عین حال چرخش دستکم بخشهایی از اپوزیسیون راست از زاویه ناسیونالیستی به حمایت از رژیم اسلامی در صورت حادثه شدن تنش ها و تهدیدات کاملا محتمل است. در هر دو صورت، با توجه به توان تبلیغاتی اپوزیسیون راست، تاثیرات این مواضع بر روی مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم چقدر است؟ چگونه میتوان با آن مقابله کرد؟



→  
**حمله سور:**

یک وجهه جهانی این منازعه، استفاده جمهوری اسلامی از ناسیونالیسم "ضد آمریکائی جهان سومی" و کشیدن بخشهایی از ناسیونالیسم ایرانی بدنبال خویش است. سران جمهوری اسلامی دارند زور آن را میزنند، دارند احساسات ناسیونالیستی کشورهای کوچک را باد میزند. در داخل ایران، هم اکنون سران جمهوری اسلامی "امتی کردن ایران" را تا حد یک "خواست و آرزوی ملی" بالا برده اند، حتی آن را با ملی شدن نفت در ایران مقایسه میکنند. این در شرایطی است که بقول روزنامه واشنگتن پست، جورج بوش از بن لادن منفورتر است. این در شرایطی است که احساسات ضد آمریکائی در منطقه به یمن حضور نظامی دولت آمریکا در عراق، تشدید شده است. بخشی از ناسیونالیسم ایرانی که تا دیروز از این می نالید که چرا ایران نمیتواند سوزن تولید کند، اکنون از اینکه می بیند حکومت اسلامی دارد بمب اتمی تولید میکند به آن "افتخار" هم میکند. لیکن از فاجعه ای که مردم و جامعه ایران را تهدید میکند یا آگاه نیست و یا اگر هم هست آن را برای جامعه و مردم ایران به قیمت برآورده شدن غرور احمقانه خود، آرزو میکند. واقعیت این است که جامعه ایران با فاجعه ای رویرو است که حتی عراق در مقابل آن منطقه امن محسوب میشود. دولت آمریکا و دول اروپائی اتمی شدن جمهوری اسلامی را در منطقه استراتژیک خاورمیانه تحمل نخواهند کرد. مسلح شدن اسلام سیاسی به بمب اتم میتواند تمام منطقه را در کام یک رقابت اتمی و بدنبال آن کشتار و ویرانی وسیع بکشد. در ماجراجویی بین این دو قطب تروریستی هیچ چیز را نمیتوان تضمین کرد. دست من و شما که نیست. طرفین این دعوا چه اسلام سیاسی و چه دولت آمریکا هرکدام از یکدیگر جنایتکارترند. حکومت اسلامی در ایران که پیشیزی برای جان انسان و مردم ایران قابل نبوده و نیست. دولت آمریکا هم زرادخانه اتمی و نیمه اتمی دارد و در ماجراجویی نظامی دست کمی از جمهوری اسلامی ندارد. بنابراین هر اتفاقی میتواند جامعه ایران را بدتر از جهنم عراق کند. تنها نیرویی که میتواند جلو ماجراجویی سران جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

را بگیرد، مردم سرنگونی طلب ایرانند. تنها حرکت مردم سرنگونی طلب برای پائین کشیدن جمهوری اسلامی است که میتواند جلو حمله دولت آمریکا به ایران را بگیرد. اگر کسی به سرنوشت و آینده مردم و جامعه ایران واقعا علاقمند است باید به فکر جلوگیری از این فاجعه قبل از وقوع آن باشد. هر نوع بی تفاوتی و یا اینکه چیزی نیست و جنگ موش و گربه است و یا در انتظار فاجعه ماندن، میتواند فاجعه ای که ظاهر کسی چندان آن را جدی نمیگیرد، جامعه و مردم ایران را در کام خود فرو برد. در هر حال خطر جدی است، این را عربده کشی سران جمهوری اسلامی و نظامیان دولت آمریکا به ما میگویند. جلو این فاجعه را از سر باید گرفت، و این تنها با قیام عمومی مردم ایران برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی ممکن است. دنباله روی اپوزیسیون راست از ماجراجویی دولت آمریکا و یا بخشی از آن از جمهوری اسلامی تنها آب به آسیاب این دو قطب تروریستی میریزد و ضرر آن فقط به جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران خواهد رسید. بالاگرفتن تنش بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی تنها جمهوری اسلامی را در مقابل مردم ایران تقویت خواهد کرد و دست سران جنایتکار جمهوری اسلامی را برای سرکوب بیشتر مردم ایران بازتر خواهد کرد. هر بمب و موشکی که به طرف ایران پرتاب شود بلافاصله با آن عربده کشی خامنه ای علیه مردم سرنگونی طلب بالا میگردد و به طول عمر حکومت اسلامی خواهد افزود. اتفاقی که سران جمهوری اسلامی با ماجراجویی خود میخواهند بیفتند و دارند برای آن "استخاره" میکنند. اگر کسی جهنم جمهوری اسلامی را دیده است، اگر کسی اوضاع عراق را دیده است و باز هم از جمهوری اسلامی حمایت کرده و یا خواستار حمله دولت آمریکا به ایران باشد، معلوم است که هدفی جز تضعیف جنبش سرنگونی طلبی و عراقیزه کردن ایران ندارد. نه اتمی شدن جمهوری اسلامی و نه حمله نظامی دولت آمریکا مساله ما نیست، وظیفه ما تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی است. ما و مردم سرنگونی طلب باید جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. این تنها راه مقابله با این ماجراجویی و تبلیغات بخشهایی از

اپوزیسیون راست چه حامی جمهوری اسلامی و چه حامی دولت آمریکاست.

#### ماهانه:

چه باید کرد؟ حادث شدن این تنش چه شرایطی برای جنبش سرنگونی ایجاد میکند؟ بخشی از اپوزیسیون "چپ" بر آن است که میتوان از چنان شرایطی برای به میدان آوردن مردم و به نفع "انقلاب" استفاده کرد؛ نظر شما در مورد این موضع چیست؟ ارکان یک سیاست اصولی کمونیستی در قبال کشمکش اتمی جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی، که بازتاب منافع بلاواسطه مردم ایران و رفع خطر از زندگی توده های مردم در منطقه و جهان باشد، به نظر شما چیست؟

#### حمله سور:

مردم ایران باید راه خود را بروند. آنها بزیر کشیدن و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی و خاتمه دادن به حکومت مشتی آخوند جانی است که سالهاست خون مردم را در شیشه کرده اند و اکنون دارند جامعه و مردم ایران را بطرف پرتگاهی بمراتب خطرناک تر از عراق سوق میدهند. اشتباه نکنیم جمهوری اسلامی در مقابل دولت آمریکا و دول اروپائی تقویت شده است اما در مقابل مردم سرنگونی طلب همچنان ذلیل است. پاشنه آشیل جمهوری اسلامی مردم ایران و جنبش سرنگونی طلبی است؛ مردمی که از اسلام و جمهوری اسلامی بیزارند و میتوانند و باید جمهوری اسلامی را بزیر بکشند. اگر چپی فکر میکند که میتواند وضعیتی مشابه عراق و حتی بدتر از آن را به "انقلاب" تبدیل کند، چپ پروتی و بی ربط به جامعه و به تحولات سیاسی در جامعه بیشتر نیست. این چپ عملا "مدرنیسم" دولت آمریکا را بر اسلام سیاسی قرون وسطی ترجیح میدهد. دارد آن را در این پوشش اعلام میکند. نه هسته ای شدن جمهوری اسلامی و نه حمله نظامی دولت آمریکا به ایران مساله ما نیست. هر دوی این، علیه آینده و منافع مردم سرنگونی طلب و آزادیخواه ایران است. رقابتی است میان دو قطب تروریستی جهان، میان اسلام سیاسی و دولت آمریکا، و مستقیماً علیه مردم و جامعه ایران و جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران است. تنها اقدامی که مانع دست

یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای میشود و دولت آمریکا را از حمله به ایران باز میدارد، قیام مردم سرنگونی طلب علیه جمهوری اسلامی است. این تضمین میکند که جامعه و مردم ایران از دست آخوندهای جنایتکار رها شوند و به شرایطی بسیار بدتر از عراق نینفیم. باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد، این تنها راه نجات مردم ایران از دست جمهوری اسلامی و از وقوع فاجعه ایست که در انتظار جامعه و مردم ایران است. برای این کار مردم ایران باید زیر پرچم منشور و بیانیه سرنگونی جمهوری اسلامی حزب حکمتیست متحد شوند و آن را به پرچم مبارزاتی خود تبدیل کنند. مردم ایران باید بدانند که معنی سرنگونی جمهوری اسلامی از نظر آنان یعنی چه و از سرنگونی جمهوری اسلامی چه میخواهند و سرنگونی جمهوری اسلامی در عملی کردن فوری چه اقدامات معینی از طرف ارگان رهبری کننده قیام مردم معنی میشود. کم مشقت ترین راه، کم دردسرتین راه جلوگیری از فاجعه ای که ماجراجویی سران جمهوری اسلامی و دولت آمریکا در حال تکوین و شکل دادن به آنند، سرنگونی و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی توسط قیام عمومی مردم ایران است. طوریکه آنچنان هزیمتی به اسلام و آخوند داده شود که نه تنها مردم زجر کشیده ایران که مردم منطقه نیز از شر اسلام سیاسی نجات پیدا کنند. رقابت فعلی، اتمی شدن جمهوری اسلامی و یا حمله نظامی دولت آمریکا به ایران هر دو علیه ما و جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران است و ضررش فقط به مردم و جامعه ایران خواهد رسید. آخوندهای جنایتکار و دولت آمریکا را باکی از کشتار مردم ایران نیست. این ماجراجویی را تنها با بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و در قفس کردن اسلام سیاسی میتوان خنثی کرد. حزب کمونیست کارگری حکمتیست مردم ایران را به زیر پرچم خود برای سازماندهی یک قیام عمومی و درهم کوبیدن جمهوری اسلامی فرامیخواند.

**به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!**

## بحران هسته ای ایران: جدال اصلی بر سر چیست؟

سعید کرامت

s.keramat@gmail.com



موقعیت ضعیفی در مقابل آمریکا قرار داشت. اما تنها دو ماه بعد از جنگ این معادله تغییر کرد. مشکل آمریکا در عراق با گروه‌های تروریست اپوزیسیون، که به حزب بعث و القاعده نسبت داده میشوند، فرعی تر است تا گرفتاریهایشان با جریانات پرو-جمهوری اسلامی. این بمب گذاریها میتواند زود گذر باشند. اما مشکل اصلی، حضور احزاب اسلامی طرفدار ایران در قدرت هستند. اکنون در جاهایی که احزابی نظیر شورای انقلاب اسلامی عراق و حزب الدعوة قدرت دارند سیاست جمهوری اسلامی در جامعه اجرا میشود. اکثریت "پارلمان" عراق رسماً و علناً در صدد ساختن جمهوری اسلامی عراق هستند. نزدیکترین متحد و سمت و سو دهنده احزاب ناسیونالیست کرد، بعد از آمریکا، جمهوری اسلامی بوده است. نگرانی آمریکا، البته، حاکمیت احزاب و دولتهای ارتجاعی بر جامعه نیست. ترکیب حاکمیت در عراق همانقدر ارتجاعی است که در افغانستان، عربستان و کویت. این سه کشور از نزدیکترین متحدین آمریکا در منطقه هستند.

اما عنصری که سه کشور نکر شده بالا را از عراق متمایز میکند، درجه نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی در آن کشور است. احزاب اسلامی عراقی غرب ستیزی و ضد آمریکائی گری جمهوری اسلامی را به ارث برده اند. این گروه‌های اسلامی دوست ندارند سواری بر مردم "خودی" را با کشورهای غربی و بخصوص آمریکا شریک شوند. از سوی دیگر، آمریکائیان در فکر ایجاد پایگاه دائم نظامی در عراق و انعقاد قراردادهای اقتصادی کلان و سودمند با آن کشور

بوده اند. حضور اسلام سیاسی که عمده ترین عنصر هویتی اش ضد آمریکائی بودن است، دستیابی و اشنگنن را به این اهداف با دشواری مواجه خواهد ساخت. حکمرانان آمریکا این واقعیت را بخوبی میدانند و واقف هستند که اسلام سیاسی اگر در ایران و عراق رابطه نزدیکی با هم داشته باشند، هژمونی آمریکا را بعنوان تنها ابرقدرت جهانی نخواهند پذیرفت و این قضیه باعث لطمه به پرستیژ آمریکا در سطح بین المللی خواهد شد.

به همین دلیل، آمریکا امیدوار است که با فشار بر جمهوری اسلامی نفوذش در عراق را کم کرده و جامعه عراق را بگونه ای شکل دهد که بتواند به خواسته های درازمدتش دست یابد. اما جمهوری اسلامی مشروعیتش در میان همان پنج درصد طرفدارش در جامعه را از موضع "استقلال خواهی" و ضد آمریکائی بودن کسب کرده است. در نتیجه ضد آمریکائی گری برای آن حکومت ارزش حیاتی دارد.

در حال حاضر جنگ در عراق فرصتی را برای مقامات حکومت اسلامی فراهم کرده است که میتوانند آمریکا را برای امتیازدهی تحت فشار قرار دهد. بعنوان مثال روز 19 سپتامبر 2005 که جک استرا خواستار احاله پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت شد، تعدادی از سربازان انگلیسی در بصره مورد حمله قرار گرفتند. این سناریو مدتی پیش هنگامی که یک دیپلمات سابق ایران در لندن بجرم شرکت در عملیات تروریستی بازداشت شد، تکرار شد و چند سرباز انگلیسی در حالی بصره کشته و سر نشینان چند قایق هم در شط العرب بازداشت شدند. به دنبال این اتفاقات، دیپلمات مورد بحث بدون سروصدا آزاد شد و آرامش برای انگلیسی ها به بصره بازگشت. به این صورت اکنون هرگاه ایران از جانب آمریکا و انگلیس ایران مورد فشار قرار گیرد، لگام گروه‌های اسلامی در عراق بر علیه شان شل میشود.

تحمل این وضعیت برای آمریکا سخت است. اما اقدام نظامی بر علیه ایران نمی تواند یک انتخاب درست

برای برون رفت از این بحران باشد. زیرا، علاوه بر تفوق سیاسی ایران در عراق، چندین فاکتور مهم بازوی نظامی آمریکا را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. این مشکلات را

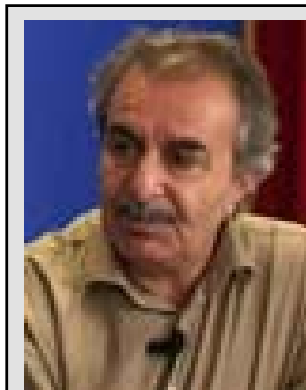
میشود بصورت زیر برشمرد: مشکلات نظامی آمریکا در افغانستان و عراق نارضایتی افکار عمومی بین المللی و جامعه آمریکا از جنگ کنونی موقعیت استراتژیک نظامی ایران در منطقه خلیج اهمیت نظامی تنگه هرمز بعنوان یک گذرگاه تجاری بویژه نفت نفوذ و تجربه جمهوری اسلامی در بسیج و سازمان دهی گروه‌های تروریست اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا

**قدرت نظامی جمهوری اسلامی** جمهوری اسلامی بر این نقطه قوت ها واقف است و بمنظور امتیازگیری در مقابل آمریکا مقاومت میکند.

در سطح بین المللی هم بعضی از کشورهای عضو شورای امنیت ملی سازمان ملل، نظیر چین و روسیه، بیشتر خواهان این هستند که مسئله هسته ای ایران در سازمان انرژی اتمی حل و فصل شود. این هم یک نقطه امید به مقامات جمهوری اسلامی داده است. امیدوار هستند که قضیه به شورای امنیت و تحریم اقتصادی کشیده نشود.

جمهوری اسلامی حاضر است بر سر این موضوع معامله کند. اما یکی از شروط آمریکا این است که جمهوری اسلامی دست از ضد آمریکائی گری و حمایت از گروه‌های اسلامی بردارد. این خواسته اما، برای جمهوری اسلامی هویتی بوده و غیر قابل بحث هستند. در نتیجه آمریکا بیشتر تمایل دارد که با فشار اراده اش را بر ایران تحمیل کند. احتمالاً کنار آمدن با کره شمالی هم به این خاطر بوده است که ایران خود را در این قضیه تنها احساس کند و کوتاه بیاید. اما تاکنون نشانه ای از کوتاه آمدن مشاهده نشده است. ایجاد تحریم اقتصادی بر علیه ایران یک احتمال جدی است.

این جنگ چه از جانب آمریکا و چه از جانب جمهوری اسلامی بر سر سواری بر کرده مردم ایران است. آمریکا خواهان این است که کسانی مثل ملک فهد عربستان، کرزای افغانستان و یا



## گفتگوی نشریه اکتبر با فاتح شیخ

### ایران، آمریکا و "نزاع هسته ای"!

#### اکتبر:

کشمکش اتمی میان جمهوری اسلامی و دولتهای غربی، با از سرگیری غنی سازی اورانیوم در اصفهان و اخیراً هم با انتصاب علی لاریجانی بجای روحانی، حادث شده و بوش مجدداً صحبت از "گزینه نظامی" کرده است! نظر شما در این باره چیست؟ آیا این کشمکش به مرحله نظامی خواهد کشید؟

#### فاتح شیخ:

— به فاز نظامی بکشد یا نکشد، این کشمکش بسیار جدی شده و میتواند خیلی پر مخاطره بشود. نه از این نظر که شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی آن را به شورای امنیت ارجاع میکند. این اهمیت چندانی ندارد. جدال اتمی غرب با جمهوری اسلامی بر سر حقوق بین الملل و فلان پیمان مربوط به "منع گسترش سلاح اتمی" نیست. این جدال سیاسی است و جنبه حقوقی در آن وزن ناچیزی دارد. قدرتهای غربی با خود جمهوری اسلامی مساله دارند و از اینجا با بمب اتمی اش. همین یکماه پیش، طی سفر نخست وزیر هند به آمریکا، دولت هند رسماً به "کلوب" دولتهای دارای سلاح اتمی "پنیرفته شد"، بسادگی به این خاطر که

نظر میرسد اروپا هم در این زمینه بیشتر به سیاست آمریکا نزدیک شده است. تفاوت در اینست که جمهوری اسلامی با خنالت وسیع و مداومش در عراق، دارای اهرم فشار واقعی بر آمریکاست درحالیکه برای آمریکا و اروپا شورای حکام و شورای امنیت در شرایط حاضر اهرم فشار موثری بر جمهوری اسلامی نیست و اهرم فشار دیگری هم در اختیار ندارند. فشار واقعی بر جمهوری اسلامی از کانال مبارزه متحدانه مردم تامین میشود، ولی آمریکا و اروپا از آنجاکه نمیخواهند نیروی مردم علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند این فشار واقعی را تقویت نمیکند و دائماً در صدد تضعیف آن هستند. تازه ترین نمونه مبارزات و اعتصابات مردم کردستان بود که از طرف دولتها و میدیای غرب تحویل گرفته نشد، درحالیکه فکر میکنند با دادن به مساله گنجی فشاری بر رژیم وارد میکنند که اینطور نیست.

در نتیجه، از طرفی پاسفت کردن جمهوری اسلامی بر این مساله و کارساز نبودن سیاست اروپا و آمریکا باعث تصاعد این کشمکش و پا گذاشتن آن به مراحل خطرناکتر خواهد شد. تهدید مجدد بوش در مورد راه حل نظامی گرچه امکان عملی شدنش ضعیف است، یکی از نشانه های پتانسیل خطرناک تصاعد این کشمکش است. بدون شک از زاویه منافع مردم ایران و منطقه و کل بشریت هم صاحب سلاح اتمی شدن جمهوری اسلامی فوق العاده خطرناک است اما جلوی این خطر را هم مردم ایران با تداوم مبارزه متحدانه خود تا سرنگون کردن رژیم میتوانند بگیرند.

#### اکتبر:

جدی تری روبرو خواهند ساخت. در نتیجه اهداف هر دو طرف دعوا در این جدال در تناقض با منافع مردم ایران است. اگر کسی دوست دارد در صلح و صفا زندگی کند. اگر کسی از توحش و تحکم طرفین دعوا بیزار است بایستی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی تلاش کند. اما نابودی جمهوری اسلامی به هیچ وجه کافی نیست. بایستی تلاش کرد

با توجه به توضیحات شما، ربط این مساله به مسائل خاورمیانه چیست؟ اوضاع عراق و نقش اسلام سیاسی در آنجا، تخلیه شهرکهای یهودی نشین نوار غزه، این رویدادها در کجای این نزاع قرار میگیرند؟ آینده این ماجرا را چگونه میبینید؟

#### فاتح شیخ:

— در عراق هم اسلام سیاسی با توجه به موقعیت پرمخمه آمریکا و همچنین تحت تاثیر تحولات در آرایش بالای رژیم اسلامی در ایران، بیشتر از پیش به طرف تاکید بر غلظت اسلامی چرخیده است. پافشاری لجوجانه جریانات موسوم به "انقلاب شیعه" بر اسلامیت در ارتباط با تدوین پیشنویس قانون اساسی که منجر به بن بست این پروسه شد تنها یک جنبه این چرخش است. پراتیک کردن ارتجاع و سرکوب اسلامی علیه حقوق مدنی شهروندان و تحمیل خفگان جهنمی بر زنان وجه برجسته تر این پروسه است. تلاش آمریکا برای کنار آمدن با اسلام سیاسی در عراق که هم اکنون در ترکیب دولت هستند، به این جریانات کمک کرده که میخهای ارتجاع خود را بیشتر و بیشتر بر پیکر جامعه ویران شده عراق بکوبند. به نظر میرسد که آمریکا اخیراً و مشخصاً بعد از عروج احمدی نژاد، دست به تلاشی در جهت معکوس زده و قصد دارد در عراق و در فلسطین از دامنه گسترش اسلام سیاسی کم کند. تشدید فشار بر دولت اسرائیل برای تخلیه نوار غزه و تمکین دولت اسرائیل در این مورد که این روزها دارد به سرانجام میرسد، بخشی از این تلاش است. تخلیه نوار غزه میتواند به تغییر بالانس به نفع دولت حاکم فلسطین و ←

یک حکومت را جایگزین آن سیستم نمود که به ساده ترین شکلی امکان شرکت و دخالتگری فعال تمام شهروندان جامعه را در سرنوشت خود تضمین کند.

جیب زده و یا به مصارف جنگ و عملیات تروریستی رسانده اند.

علاوه بر این، آمریکا خود جنگ طلب ترین کشور دنیا است و اولین حکومتی بوده است که از بمب اتم استفاده کرده است. جمهوری اسلامی بدون اتم بزرگترین انسان کشتی های 25 سال اخیر را مرتکب شده است. قطعاً اگر حکام اسلامی تبدیل به یک قدرت اتمی بشوند دنیا را با مخاطره

→ طالبانی در عراق جامعه را بسبک قرون وسطا اداره بکنند و ضمن اطاعت از سیاست های کاخ سفید، حاصل کار مردم آن جوامع را با شرکتهای آمریکائی تقسیم کنند. مقامات جمهوری اسلامی هم که 26 سال است با اعدام و سنگسار یک زندان بزرگ از جامعه ساخته اند و حاصل دسترنج مردم ایران را به

## ماهانه می پرسد؟

محمود قزوینی



### ماهانه:

- موضع سخت احمدی نژاد در سازمان ملل در ارتباط با مساله اتمی، تنش موجود آمریکا و اروپا با جمهوری اسلامی بر سر این مساله را حادتر کرده است. چرا و با اتکاء بر چه موقعیتی جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی ایستادگی و سرسختی میکند؟

### محمود قزوینی: جمهوری اسلامی

در درجه اول به خاطر موقعیت خود این سرسختی را نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی به دنبال یک برکت خداوندی دیگر مانند جنگ با عراق است تا بتواند از بحران سرنگونی برهد. تا با مردمی که عزم کرده اند تا آن را به زباله دانی تاریخ بیندازند، تعیین تکلیف کند. تا به تخصصات صفوف پراکنده خود که در جدالی بی پایان با یکدیگر بسر میبرند، پایان دهد. جمهوری اسلامی خواهان درگیری بر سر مسئله اتمی تا حد درگیری نظامی است. اما صفوف پراکنده جمهوری اسلامی و خطر مردم مانعی جدی بر سر اتخاذ این تصمیم است. جناحهای مخالف این اقدام از همین حالا خط احمدی نژاد را به زیر ممیزی کشیدند و خطر اینکه مردم در شرایط درگیری نظامی به جای وحشت بیشتر متعرض شوند هم وجود دارد. علت دیگر این ایستادگی "شجاعانه" و موضع سرسخت جمهوری اسلامی، وضعیتی است که غرب و

آمریکا در عراق دارند. جمهوری اسلامی میدانند که با باطلاحی که آمریکا و غرب در عراق ساخته اند و در آن گیر کرده اند، دستشان در مقابل یکه تازی ایران زیاد باز نیست. ایران با نفوذ در جنوب عراق و در سر در دست کردن برای آمریکا و غرب در آنجا و با حمایت آشکارتر خود از گروههای تروریستی اسلامی در خاورمیانه و جهان، علنا در مقابل آمریکا و غرب شاخ و شانه میکشد. سخنرانی احمدی نژاد در سازمان ملل بیان اعلام صریح و بی پرده این خطر رژیم اسلامی در مقابل غرب است.

جمهوری اسلامی همچنین روی این امکان که چین و روسیه بتوانند در مقابل آمریکا و کشورهای اروپایی بایستند و یا همراهی نکنند حساب باز کرده است. جمهوری اسلامی این نقطه ضعفهای آمریکا و غرب را میشناسد. در ضمن همانطور که گفتم به دنبال یک واقعه بزرگ تا حد جنگ و درگیری برای نجات خود میگردد، برای همین بدون سازش پیش میرود. اروپا و آمریکا میخواستند یک باج گنده به جمهوری اسلامی بدهند، در صورتی که جمهوری اسلامی از سوخت غنی شده که میتواند برای ساختن بمب اتمی بکار رود صرف نظر کند. اما وقتی احمدی نژاد پیروز شد، زیر تمام سازش ها رازد.

علت دیگر نزاع آمریکا با اسلام سیاسی است. آمریکا میخواهد دامنه عمل و قدرت اسلام سیاسی را

محدود کند. جمهوری اسلامی نه تنها نمیخواهد به این تن دهد، بلکه خواهان گسترش قدرت خود و کل اسلام سیاسی میباشد. این هم یک منشا درگیری غرب با ایران و مسئله اتمی است.

### ماهانه:

- اصل نزاع بر سر چیست؟ آیا قراردادهای بین المللی از جمله "قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی" توسط جمهوری اسلامی نقض شده است؟

### محمود قزوینی: مسئله بر سر امکان

دستیابی ایران به سلاح اتمی متمرکز شده است. بحث بر سر نقض قرار داد منع گسترش سلاحهای اتمی غیر واقعی است. در مقابل چنین استدلالی ایران هزار توجیه دارد. میگوید چرا پاکستان و هند و اسرائیل باید اسلحه اتمی داشته باشند و ایران نه؟ استدلال اینکه آنها قرارداد را امضاء نکردند دلیل محکمی نمیتواند باشد. خوب ایران هم میتواند بگوید من هم امضایم را پس میگیرم. همین کاری که امروز برای انجامش دارد خود را آماده میکند. نمیشود قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی را برای برخی از کشورها اجرا کرد و برای برخی دیگر نه. تازه تولید چرخه سوخت نقض قرارداد منع گسترش سلاحهای اتمی نیست. همه میدانند که دسترسی جمهوری اسلامی به تولید چرخه سوخت، این امکان را به او میدهد که هر موقع بخواهد به بمب اتمی دست یابد. هدف جمهوری اسلامی هم این است. اما تولید چرخه سوخت جزء قرارداد منع سلاحهای اتمی نیست.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی دارد خود را برای دستیابی به بمب اتمی آماده میکند. همه میدانند که پروژه های مخفی برای پیشبرد این پروژه در سالهای گذشته داشته است. حالا میخواهد آن پروژه ها را علنی کند. حتی میگویند به

موشکهای که میتوان کلاهک هسته ای بر روی آن سوار کرد نیز دست یافته است. دستیابی به تولید چرخه سوخت و موشکی که بتوان بر روی آن کلاهک هسته ای سوار کرد، جمهوری اسلامی را در آستانه اتمی شدن قرار میدهد.

مسئله اصلی این است که غرب در وحشت از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای است و میخواهد این امکان را کور کند. اینکه این تلاش در چهارچوب قرارداد منع گسترش سلاحهای هسته ای است یا نه زیاد برای غرب اهمیت ندارد. میدانند که جمهوری اسلامی راههای مختلفی برای دور زدن این قوانین پیدا میکند. ابتدا میخواستند با یک رشوه بزرگ مشکل را حل کنند. اما این نشد. جمهوری اسلامی میدانند عادی شدن روابطش با غرب و حتی گرفتن امتیازاتی از غرب در زمینه اقتصادی در چنین شرائطی به ضررش است. جمهوری اسلامی به یک شرائط بحرانی احتیاج دارد و این کشمکش اتمی میتواند این بحران را برایش بیافزیند. همچنین رابطه عادی با غرب جمهوری اسلامی را مجبور میسازد تا در مقابل فشارهای غرب و فشارهای روزافزون مردم بیشتر سازش و بیشتر عقب نشینی کند. جمهوری اسلامی این را به ضرر کل موجودیت خود میبیند و جناح احمدی نژاد در مقابل این سیاست و در مقابله با آن روی کار آمد

### ماهانه: آمریکا و اروپا در این

کشمکش چه هدفی را تعقیب میکنند؟ و چه اهمیتی برای فشار بر جمهوری اسلامی در دست دارند؟

### محمود قزوینی: به نظر من آمریکا و

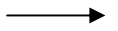
اروپا واقعا نمیخواهند وارد درگیری با جمهوری اسلامی شوند. حتی حاضرند با دادن باجی به جمهوری اسلامی این مشکل را پشت سر بگذارند. دیگر حتی ←

اتمی و کل کشمکش اسلام سیاسی با آمریکا و متحدانش نجات بدهد.

جریانات اسلامی در عراق ناچیز است.

آینده این کشمکش نه در غزه که در ایران و عراق تعیین خواهد شد. پیشرفت و پیروزی مبارزه مردمی تا

به زیان حماس و جهاد کمک کند، اما وزنه حماس و جهاد و حتی حزب الله لبنان در مجموعه جبهه اسلام سیاسی در منطقه در مقایسه با موقعیت



بر علیه دخالت آشکار جمهوری اسلامی در عراق و در دست کردن برای آمریکا و غرب و گسترش تروریسم اسلامی نمیتوانند کاری کنند. غرب میخواهد این رژیم به سلاح اتمی دست نیابد. برخلاف نمونه عراق که آمریکا و برخی از کشورهای غربی خواهان جنگ بودند و سلاح هسته ای فقط بهانه بود و مسئله اصلی قدرتی آمریکا و حفظ سرکردگی آن بر کشورهای اروپای و ژاپن و... و کلا مسئله ایجاد نظم نوین جهانی بود، در مورد ایران بر عکس آمریکا و غرب خواهان درگیری و جنگ نیستند. از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی به وحشت افتاده اند. این وحشت حقیقی است. سرنوشت منطقه و جهان با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی خطرناکتر و بسیار ناامن تر میشود. به نظر من جمهوری اسلامی خیلی راحت این اسلحه را به کار میرد. سهم خواهی اسلام سیاسی و خود جمهوری اسلامی در منطقه و جهان از تقسیم قدرت به شدت افزایش مییابد. این خطرات واقعی است. غرب این را میداند و تمام کوشش خود را برای جلوگیری از این اتفاق به کار میرد. همانطور که گفتم غرب میخواهد حداکثر از درگیری و جنگ اجتناب کند. چون موقعیت و توان درگیری دیگری در منطقه را ندارد. همچنین میدانند درگیری با ایران شرائط بشدت مخربتری از عراق برایشان ایجاد میسازد که بیرون آمدن از آن ممکن نیست.

به نظر من غرب از اهرم فشار کمی برخوردار است. یک مشکل غرب مسئله متحد کردن همه کشورها مانند چین و روسیه و ژاپن و هند و... برای یک عمل متحد است که به راحتی بدست نیاید. چین و روسیه ضمن اینکه دارای تضادهایی با آمریکا و غرب هستند، با ایران دارای روابط اقتصادی و سیاسی گسترده ای هستند که به این راحتی از آن چشم نمپوشند. ممکن است در خود کشورهای غربی مانند آمریکا و اروپا نزاع بر سر چگونگی برخورد به این مسئله بالا گیرد. فعلا وحشت از دستیابی جمهوری اسلامی به بمب

اتمی همه غرب را متحد کرده است. اما در سیر متحول اوضاع ممکن است مسئله عوض شود. رژیم اسلامی روی همه این احتمالات حساب باز میکند.

غرب در وحشت از امکان دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتمی و برای بازداشتن حکومت اسلامی از آن، بیش از پیش به راه حلهایی مانند محاصره اقتصادی و حمله نظامی به مراکز هسته ای و... فکر میکند و آنها را جستجو میکند. اما باطلاق عراق که آمریکا و غرب در آن گیر کرده اند و مانع چین و روسیه که دیگر آمریکا نمیتواند براحتی آنها را همراه خود کند و دیگر تناقضات در غرب، غرب را مجبور میسازد تا به راه حل مذاکره و مسالمت تن در دهد. هم ایران و هم غرب موانع جدی ای برای روبرویی با یکدیگر پیش رو دارند. برای همین تا مرز درگیری آشتی ناپذیر با یکدیگر پیش میروند و سپس هر دو طرف دست آشتی و راه مسالمت به طرف یکدیگر دراز میکنند.

جمهوری اسلامی هم موانعی دارد. جمهوری اسلامی اطمینان ندارد که در صورت پیش آمدن درگیری، مردم مرعوب و ساکت میمانند، احتمال میدهند ممکن است اوضاع برعکس شود و مردم بر علیه رژیم برخیزند. مشکل دیگر جمهوری اسلامی مسئله صفوف آن است. صفوف جمهوری اسلامی بر سر مسئله اتمی متحد نیست. جناحهای مخالف از هم اکنون فشار خود را برای تغییر ریل افزوده اند. این امکان که صفوف جمهوری اسلامی در صورت درگیر شدن با غرب از هم ببیشتر دور شوند و این دوری و اختلاف به نیروهای نظامی هم سرایت کند وجود دارد. این را از همین امروز میتوان در کشمکشهای جناحهای جمهوری اسلامی دید. این ناروشنی ها جمهوری اسلامی را مجبور میکند تا تن به سازش دهد. اما با هرگونه سازشی، جناح احمدی نژاد در حاکمیت تضعیف میشود. احمدی نژاد این را به نفع خود نمیبیند. برای همین جدال در خود جمهوری اسلامی بر سر مسئله اتمی تشدید میشود.

دیگر اینکه جمهوری اسلامی خود را

وارد یک درگیری طولانی و کشدار با غرب میکند که حتی در صورت ماندن جمهوری اسلامی، این وضعیت ادامه پیدا میکند و این برای هیچ رژیمی مناسب نیست و این جناحهایی از جمهوری اسلامی را که راه ادامه حیات جمهوری اسلامی را در بهبود رابطه با غرب جستجو میکنند، نگران میسازد.

#### ماهاته:

- ارتباط این کشمکش با جنگ جاری دو قطب تروریسم جهانی که مرکز آن عراق است چیست؟ آمریکا و اروپا و جمهوری اسلامی کجای این رویارویی ایستاده اند و "پرونده اتمی ایران" در این میان چه جایگاهی دارد؟

#### محمود قزوینی: دستیابی جمهوری

اسلامی به بمب اتمی به معنای دستیابی اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی به سلاح هسته ای است. اسلام سیاسی در یک جنگ تمام عیار با آمریکا و غرب بسر میبرد. دستیابی اسلام سیاسی به سلاح هسته ای، تروریسم اسلامی را در موقعیت دیگری در مقابل آمریکا و غرب قرار میدهد. امکان درگیری هسته ای در جهان نزدیک میشود. اسلام سیاسی در کشتار بیرحمته خود از مردم دنیا دیگر به جای بمب انتحاری سلاح اتمی بکار میبرند.

این کشمکش زیاد ربطی به مسئله عراق ندارد. فقط مسئله عراق در تضعیف و یا قوی شدن طرفهای درگیر تروریستی در عراق و جهان نقش بازی میکند.

#### ماهاته:

- آیا اعمال فشارهای آمریکا و اروپا میتواند به انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی کمک کند؟

#### محمود قزوینی: فشار آمریکا و اروپا

با تهدید محاصره اقتصادی و حمله نظامی همراه میشود. اگر هدفشان انزوای سیاسی جمهوری اسلامی بود به اهرمهای دیگری متوسل میشوند. آمریکا و غرب بر سر مسئله اتمی نمیتوانند به انزوای سیاسی ایران

بسنده کنند. مسئله در سطح انزوای سیاسی نمیتواند.

#### ماهاته:

- در صورت ارجاع "پرونده اتمی ایران" به شورای امنیت سازمان ملل چه پیش خواهد آمد؟ موضع روسیه و چین و گروه دولتهای "غیرمتعهد" چیست و چه تاثیری در روند کشمکش جاری خواهد داشت؟

#### محمود قزوینی: ممکن است روسیه

و چین با طرح مجازات ایران مخالفت کنند و آمریکا و غرب وارد دست انداز بزرگتری شوند. برای همین غرب مرتب دارد راههای سازش را جستجو میکند. در صورت مخالفت روسیه و چین، جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی از یک موقعیت بسیار قوی تری نسبت به اکنون در برخورد با غرب برخوردار میشوند. در آنوقت ممکن است آمریکا و غرب بخواهند جداگانه و خارج از دوائر شناخته شده و قانونی بین المللی راه خود را در اعمال مجازات ایران بروند. البته این برایشان آسان نیست

#### ماهاته:

- تاثیر اعمال مجازات های احتمالی شورای امنیت سازمان ملل بر جمهوری اسلامی/ مردم ایران چه خواهد بود؟ آیا با توجه به شکافهای موجود در شورای حکام آژانس بین المللی اتم و شورای امنیت سازمان ملل، احتمال اعمال چنین مجازاتهایی چقدر بالاست؟

#### محمود قزوینی: به نظر من احتمال

اعمال مجازات هست. اما با توجه به اختلافات در شورای حکام امکان آن ضعیف است. امکان مخالفت روسیه و چین وجود دارد. غرب هم حداکثر تلاش خود را میکند تا کار به چنین جاهایی نکشد. اگر جمهوری اسلامی به هیچ چیزی تن ندهد، این امکان حتما به واقعیت بدل میشود و غرب به اعمال مجازات دست میزند، حتی بدون موافقت چین و روسیه و خارج از شورای امنیت سازمان ملل. مسئله کمی پیچیده است نمیشود دقیق گفت چه اتفاقی میافتد.



**ماهانه:**

- در گرماگرم حادثه شدن تنش بر سر مساله اتمی، جمهوری اسلامی به بهانه سالگرد جنگ با عراق کاملاً عامدانه دست به نمایش قدرت نظامی و از جمله نمایش توان تکنولوژی موشکی خود زده است. تا چه حد تنش موجود به جمهوری اسلامی امکان میدهد که فضای جامعه را میلیتاریزه کند؟ نظامی کردن فضای جامعه در این شرایط چه پیامدی برای مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی خواهد داشت (تجربه جنگ ایران و عراق)؟

**محمود قزوینی:** همانطوری که در سوال اول پاسخ دادم هدف اصلی جمهوری اسلامی از این کشمکش همین میلیتاریزه کردن فضای داخل ایران و سرکوب اعتراضات مردم و متحد کردن صفوف خود است. جمهوری اسلامی به این احتیاج دارد. پیامد آن برای مبارزه مردم روشن است. جمهوری اسلامی تحت یک فضای میلیتاریزه به بگیر و ببند دست میزند. به زنان و جوانان و کارگران حمله وسیع میکند. تجربه جنگ ایران و عراق هم داریم که تحت شرایط جنگی چگونه رژیم اسلامی توانست در سطح وسیع به دستگیری و اعدام و زندان دست بزند تا بر اعتراضات مردم فائق آید. چنین چیزی در فضای جنگی ممکن میشود.

**ماهانه:**

- جمهوری اسلامی تا چه حد میتواند در فضای این تنش ناسیونالیسم ایرانی را در داخل و ناسیونالیسم "ضد امپریالیستی" و "آنتی آمریکانیسم" در سطح جهان را پشت سر خود بیاورد؟

**محمود قزوینی:** نیروی ناسیونالیسم ضد امپریالیستی و آنتی آمریکانیسم در سطح جهان را همین الان میتوان در حمایت و پشتیبانی از جمهوری اسلامی دید. اینها نیروی موثری در این نزاع نیستند. جمهوری اسلامی نیرویش را از نیروی اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه و جهان میگیرد. همین الان اهرم عراق یک برگ برنده قوی در دست جمهوری اسلامی است. اگر نزاع و کشمکش

غرب با ایران به درگیری آشکار بکشد، آنوقت نیروی اسلام سیاسی از اندونزی و فیلیپین تا قلب آمریکا و اروپا دست به عمل میزنند و تروریسمی که امروز شاهد آن هستیم به مراتب افزایش مییابد. تروریسم اسلامی دهها یازده سپتامبر و بسلان دیگر میافریند.

جمهوری اسلامی میتواند ناسیونالیسم ایرانی را هم پشت سر خود بسیج کند. جمهوری اسلامی دارد غرور ملی را باد میزند. در میان جوانان این را تبلیغ میکنند که چرا ایران نباید از فن آوری پیشرفته علمی و تکنیکی در جهان بهره مند شود. با نشان دادن بمب اتمی پاکستان، میگویند ایران قدرتمند باید به بمب اتمی دست یابد. حتی بخشی از سازمانهای سیاسی ناسیونالیستی ایرانی هم پشت سر جمهوری اسلامی بسیج میشوند. این شامل سازمانهای راست پرو غرب نیز میشود. ناسیونالیست عظمت طلب پرو غرب از این ناراحت است که با شروع کشمکش غرب با ایران، غرب مانند همه جای دنیا شروع به کمک و تقویت و تحریک گروههای قومی برای تضعیف دولت مرکزی خواهد کرد. ناسیونالیسم این را مخالف هدف پایه ای خود یعنی یک ایران متحد و قدرتمند میبیند. برای همین کسانی مانند داریوش همایون از همین الان اعلام کرده اند که در صورت حمله آمریکا و غرب به ایران در کنار جمهوری اسلامی میایستند و از آن حمایت میکنند. اینها در وحشت از تضعیف و از هم پاشیدن ایران به صف جمهوری اسلامی میپیوندند و از آن حمایت میکنند. داریوش همایون جدیداً در مقاله ای با عنوان یک کشور و یک ملت نوشته است "کسانی که تا همین اواخر در ته دل آرزو می کردند امریکائیان با ضربات هوایی بر مراکز اعصاب رژیم اسلامی، آن را به آستانه سقوط بکشاند، امروز از اینکه چنان اندیشه ای را به خاطر خود راه داده اند در نهان پوزش می خواهند. ما از همیشه بیشتر می باید در برابر هر حمله ای به خاک ایران ایستادگی کنیم و جای تردید نگذاریم که در چنان صورتی در پشت همین حکومتی که به خون ما تشنه است خواهیم ایستاد. اگر قرار است آینده

ایران را در سلیمانیه و تلویزیون الجزیره تعیین کنند و سازمانهای همه سر در کشورهای همسایه ایران، جمهوری های فدرال عشیره ای خود را در غرب و جنوب ایران تشکیل دهند بسیاری اولویت ها تغییر خواهد کرد. سازمان های قومی مسئولیت بزرگی بر عهده گرفته اند. هر اشتباه و زیاده خواهی آنان برای همه ما گران تمام خواهد شد. هیچ کس نمی باید تصور کند که به بیشترین خواست های خود خواهد رسید. ما همگان را به یافتن یک راه حل بهینه که جملگی را به درجه ای راضی کند فرا می خوانیم"

**ماهانه:**

- خطر یک جمهوری اسلامی مجهز به سلاح اتمی برای مردم جهان، منطقه و ایران را چه میزان ارزیابی میکنید؟

**محمود قزوینی:** این را در پاسخ به سوالهای قبلی پاسخ دادم. به نظر من جمهوری اسلامی از این اهرم برای نمایش قدرتی خود در داخل و خارج و منطقه استفاده خواهد کرد. جهان بسیار ناامن تر از حالا میشود. جریانات اسلامی جری تر میشوند. جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی اهداف خود را با تهدید اتمی در دنیا پیش میرد. از نظر من جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی در کاربرد سلاح اتمی زیاد مانع و رادع ندارد. تروریسم اسلامی آن نیرویی است که آمادگی دارد در صورت دستیابی به سلاح اتمی آن را به کار برد. هدف تروریستی این جریان عموماً مردم غیرنظامی بوده اند. این جریان بسیار سهل دست به این عمل خواهد زد. ممکن است در یک کشمکش معمولی از سلاح هسته ای استفاده کنند. جمهوری اسلامی این قابلیت است. جمهوری اسلامی رژیم پاکستان و هند نیست.

**ماهانه:**

- مهار خطر جمهوری اسلامی توسط آمریکا و اروپا یا سرنگونی آن به نیروی خیزش و قیام مردم ایران؟ ترجیح شما روشن است استدلال شما چیست؟

**محمود قزوینی:** من بدون مسئله اتمی

هم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بودم و هستم. مهار جمهوری اسلامی در دستیابی به سلاح اتمی و یا مهار آن در سازماندهی و کمک به گروهها و عملیات تروریستی هیچگاه در ذهن من جایی نداشت. به جای مهار جمهوری اسلامی باید آن را سرنگون ساخت. سرنگونی که در آن مردم و طبقه کارگر بتوانند قدرت خود را به قدرت فائده تبدیل کنند. سرنگونی که در آن با نابودی کامل دم و دستگاه جمهوری اسلامی، مطالبات آزادیخواهانه و رهاییبخش مردم به قانون کشور تبدیل شود.

**ماهانه:**

- اپوزیسیون راست مثل همیشه در مورد این تنش هم دنباله رو سیاست های آمریکاست. در عین حال چرخش دستکم بخشهایی از اپوزیسیون راست از زاویه ناسیونالیستی به حمایت از رژیم اسلامی در صورت حادثه شدن تنش ها و تهدیدات کاملاً محتمل است. در هر دو صورت، با توجه به توان تبلیغاتی اپوزیسیون راست، تأثیرات این مواضع بر روی مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم چقدر است؟ چگونه میتوان با آن مقابله کرد؟

**محمود قزوینی:** از الان مشکل است درباره درجه تأثیرات تغییر و تحولات در کمپ راست بر مبارزه سرنگونی طلبانه مردم حرف زد. به نظر من اینها میتوانند نیروی موثری شوند و تأثیرات مخربی بگذارند. نه به خاطر قدرت تبلیغاتی شان، بلکه چون ناسیونالیسم و غرور ملی را دامن میزنند و این را با خود میکنند و یا پشت جمهوری اسلامی میبرند. حتماً تقویت ناسیونالیسم و غرور ملی و کشتادن آن پشت جمهوری اسلامی به جنبش سرنگونی مردم صدمه میزند. ممکن است بسیاری از کسانی که امروز در صف سرنگونی جمهوری اسلامی قرار دارند با تقویت ناسیونالیسم و غرور ملی به حمایت از جمهوری اسلامی برخیزند. حمایت از حمله آمریکا هم همینطور. خود حمله آمریکا و غرب قبل از اینکه ضربه ای به جمهوری اسلامی باشد ←

**کمونیست ماهانه نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است.  
مسئولیت مطالب مندرج در "ماهانه" به عهده نویسندگان آنهاست.**

### تحریریه مرکزی:

فواد عبداللهی  
محمد فتاحی  
محمود قزوینی  
مصطفی اسدیپور  
مهرنوش موسوی

جمال کمانگر  
رحمان حسین زاده  
سعید کرامت  
عبدالله شریفی  
فاتح شیخ

اعظم کم گویان  
ایرج فرزاد  
ثریا شهابی  
حسین مرادیگی (حمه سور)

### تماس با ماهانه:

fateh\_sh@yahoo.com

co.mahane@gmail.com

sharifi\_abdollah@yahoo.com

## کمونیست ماهانه را بخوانید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

کمونیست حکمتیست است که به همه ابعاد این سازماندهی توجه دارد. باید جمهوری اسلامی را سرنگون ساخت و به جای آن مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران را برقرار ساخت. یک دولت آزاد و سکولار و دستیابی به رفاه در راس خواسته های مردم ایران قرار دارد. وارد شدن به کشمکش میان جمهوری اسلامی از یکطرف و آمریکا و غرب از طرف دیگر، مردم را به نیروی نخبه این و یا آن طرف درگیر تبدیل میکند و نه تنها چیزی نصیب مردم نمیکند، بلکه آنها را قربانی این و یا آن نیروی مرتجع بورژوازی میسازد و تازه در این واقعه مسئله پاشیدن شیرازه کل جامعه و یا سرکوب و ایجاد فضای ملیتاریزه و از دست رفتن بسیاری از دست آوردها هم مطرح است. ما باید در این کشمکش، راه خود یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی دنبال کنیم

شیر تو شیر شدن و شرائط سناریو سیاه اشتباهی گرفته است.

### ماهانه:

- ارکان یک سیاست اصولی کمونیستی در قبال کشمکش اتمی جمهوری اسلامی با دولتهای غربی، که بازتاب منافع بلاواسطه مردم ایران و رفع خطر از زندگی توده های مردم در منطقه و جهان باشد، به نظر شما چیست؟

### محمود قزوینی:

تنهاراه نجات مردم سازماندهی مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی است. این به همه چیز پایان خواهد داد. همه چیز را عوض خواهد کرد. نه تنها در ایران بلکه در سطح جهان. با سرنگونی جمهوری اسلامی، اسلام سیاسی چنان ضربه ای میخورد که در سطح جهان نیروی خود را به سرعت از دست میدهد. سازماندهی مردم برای سرنگونی یعنی سازماندهی همه جانبه مردم در تشکلهای توده ای صنفی و سیاسی و نظامی است. در میان احزاب ایرانی این حزب

### ماهانه:

- چه باید کرد؟ حادثه شدن این تنش چه شرایطی برای جنبش سرنگونی ایجاد میکند؟ بخشی از اپوزیسیون "چپ" بر آن است که میتوان از چنان شرایطی برای به میدان آوردن مردم و به نفع "انقلاب" استفاده کرد؛ نظر شما در مورد این موضع چیست؟

### محمود قزوینی:

حادثه شدن این تنش به ضرر جنبش سرنگونی است. فضای ملیتاریسم و سرکوب ایجاد میشود. ناسیونالیسم را باد میزنند. کلا شاهد یک نوره عقبگرد در مبارزات کنونی مردم برای رفاه و آزادی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی خواهیم بود. محاصره اقتصادی به تنهایی کافی است تا شیره جنبش سرنگونی کشیده شود. کسی که فکر میکند با گرو گرفتن غذا و داروی کودکان و مردم و با تحمیل یک جنگ که شیرازه جامعه را به نابودی میکشد، به انقلاب دست خواهد یافت، فقط اشتباه مهلک نکرده است. بلکه انقلاب و آزادی را با هرج و مرج و

ضربه ای به جنبش سرنگونی است. احتمالات دیگری نیز وجود دارد که البته امکانش ضعیف تر است. ممکن است مانند حمله آمریکا و غرب به عراق در سال 91، مردم دست به شورش برای سرنگونی رژیم بزنند. این هم یک امکان است. اینکه در چنان شرائطی چه باید کرد نمیتوان نسخه از پیشی داشت. در چنان شرائطی آلترناتیو طرفدار غرب یک قدرت بلامنازع میشود و غرب هم مانند همه جا به نیروهای مذهبی و قومی میدان میدهد و یا شاید بخشی از همین رژیم اسلامی را دستی رویش بکشند و آن را بالای سر مردم نگه دارند. اما به احتمال زیاد با حمله آمریکا و غرب به ایران مرعوب شدن مردم را خواهیم داشت. پاشیدن شیرازه مدنی را خواهیم داشت، سربر آوردن نیروهای قومی را خواهیم داشت و هرج و مرج را خواهیم داشت. باید قبل از اینکه کار به اینجا بکشد مردم رژیم را سرنگون سازند.